

بجای متحد کردن همه نیروهای اصیل انقلابی در برابر دشمن مشترک، جدا کردن آنها تحت عنوان اختلافات بینشی!

از افتادن در دام این ترفند بوحذر باشیم!

صفحه ۳

اسناد جاسوسخانه آمریکا فاش میکند: آمریکا برای تیره کردن روابط ایران و شوروی تلاش میکند

اتحاد شوروی، با پیشنهاد هر نوع کمک به ایران (اسناد افشاسگری شماره ۱۰، صفحه ۱۱۴) -۷- انتظام به بدگمانی رهبران انقلاب نسبت به اتحاد شوروی اشاره نمود. در عین حال سفیر

شوروی فائزین شخص در تهران است روزانه از موسسات دولتی یا پیشنهادات هر نوع کمک دیدن بقیه در صفحه ۴



شماره ۵۱۷ - پنجشنبه ۳۱ اردیبهشت ۱۳۶۰، دوره هفتم، سال سوم
۱۶ رجب ۱۴۰۱ - بها: ۱۵ ریال

دلاوری های خلق در جبهه های جنگ

۸ ماه از نبرد قهرمانانه خلق ما در جبهه های نبرد می گذرد. ۸ ماه است که زحمتکشان قهرمان ایران از خون خویش حماسه می آفرینند. ۸ ماه است که خلق قهرمان ایران برگ برنگ رهائی خویش را با خون رقم می زنند. آنچه در «نامه مردم» می خوانید، لحنی از شور انقلابی و حماسه نبرد مردم دلاور ایران است، که بر اساس خاطرات رفقای توده ای از جبهه های نبرد تنظیم شده است. ما از همه رفقای حزبی، هواداران و مردم قهرمان ایران، که شاهد حماسه آفرینی خلق در جبهه ها بوده اند، تقاضا می کنیم که، با ارسال خاطرات خود، ما را یاری کنند.

بگذارید به جبهه برگردم
دشمن حمله کرده بود. یاتمام نیرو تاخته بود. میخواستند باز هم در آبادان جلوتر بیایند. نخلستان را زیر آتش جهنمی توپخانه گرفته بودند. نخلستان مثل شیر خشمگین می غرید. دلاوران ایرانی می زمیندند. دها نفر بر خاک می افتادند و جایشان پر میشد. نخلهای کهنسال زیر باران آتش فرو می افتادند. قامت قهرمانان ایرانی استوار نبود. هرچه دشمن بیشتر یورش می آورد، مقاومت فزونی می گرفت. صف مقاومت تکان نمی خورد. رزمندگان ایرانی حتی پندانگشتی عقب نمی نشستند. این خون بود که راه دشمن را سد می کرد. از انبوه شهیدان و زخمی هایی که به بیمارستان می آوردند، حتی ما که در پشت جبهه بودیم، این را درک می کردیم. تازه از پانسمان کارگر جوانی فارغ شده بودم که برانکاری از راه رسید. پاسدار جوانی روی آن خوابیده بود. قرار نداشت. آرام نمی گرفت. لباسش را پیش غرق خون بود. صورتش را دود باروت پرده سیاهی کشیده بود. برهقه فریاد می زد: - الله اکبر، خمینی رهبر در پستری از خون می غلتید و

فکر کردیم هذیان می گوید. خواستیم او را بلند کنیم و روی تخت بنشانیم. مقاومت کرد. گفت: - دشمن دارد می آید. نزدیک می شود. بچه ها گشته می شوند. جای من اینجا نیست. دکتر از راه رسید. با مهربانی به پاسدار جوان لبخند زد. گفت: - شما شدت زخمی شده اید. باید استراحت کنید. باید شما را معالجه کنیم.

پاسدار جوان لبخندی زد. معلوم بود کاملاً هشیار است. صدایش آرامش غریبی داشت. گفت: - آقای دکتر! من حق ندارم اینجا باشم. بچه ها دارند گشته می شوند. اجازه بدهید بروم و با دشمن بجنگم. بقیه در صفحه ۸

پیام شادباش سازمان جوانان توده ایران به کمیته مرکزی حزب توده ایران

مناسبت تشکیل هفدهمین پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران

رفقای گرامی!
صمیمانه ترین درودهای ما را بمناسبت تشکیل هفدهمین پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران بپذیرید. هفدهمین پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران که در آستانه چهلمین سالگرد تاسیس حزب توده ایران، حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران، برگزار گردید، غنای شکفت آنگیز اندیشه و تجربه رهبری حزب توده ایران و وحدت و انسجام بی نظیر

علاج واقعه، قبل از وقوع باید کرد به تشنج در پالایشگاه شیر از پایان دهید!

با رها کردن شیوه های تنگ نظرانه و غیر مسئولانه و با قاطعیت و تصد انقلابی، جبهه تشنج آفرین نیروهای لیبرال، گروه های چپ و منحرف و مانوئیست های آمریکائی را درهم شکنید.
اگر خواست های برحق زحمتکشان تامین شود، جبهه انقلاب از آسیب دغل کاری های دشمنان و فریب خوردگان محفوظ می ماند و مشروعیت کاذب آنان از میان می رود.
وزارت نفت باید هیئت ویژه ای را مامور بررسی و حل مشکلات پالایشگاه شیراز کند و مانع از تشدید تشنج در این واحد شود.

در پالایشگاه شیراز توطئه هایی در دست اجراست. بیم آن می رود که مسائل موجود این واحد حساس و حیاتی را فلج کند و از کار بیندازد. ما توجه فوری و جدی مسئولین صنعت نفت را به این جریان جلب می کنیم، با این امید که قاطعیت انقلابی و برخورد مسئولانه دست اندر کاران توطئه ها را در نطفه خفه کند و راه فتنه انگیزی بر آشوبگران و غائله سازان بسته شود.

نخست باید دید در پالایشگاه چه می گذرد. می گوئیم تا به اجمال برخی نکات گری را از نظر بگذرانیم، ریشه بعضی زخم های ناسور کنونی را بشکافیم و حتی المقدور راه برون رفت را نشان دهیم. مجمع عمومی کارکنان پالایش، با شرکت هشتاد تن از کارکنان، در تاریخ ۲۶ آذر ۶۰، بعضی خواستهای کارکنان را طی قطعنامه ای بقرار زیر تصویب کرد:

در مراسم بزرگداشت يك روحانی اهل سنت و ۳۲ نفر از افراد ژاندارمری در سیستان و بلوچستان، که توسط ضد انقلاب شرمید شدند، مردم شعار دادند:

مرگ بر این خوانین جنایت پیشه!

عوامل ضدانقلاب در سیستان و بلوچستان در پی تسرور يك روحانی اهل سنت، ۳۲ نفر از افراد اکیب تجسس ژاندارمری راه که برای پیکیری این مسئله رفته بودند، به شهادت رساندند. این اکیب، در منطقه کوهستانی «کوه سفید» زیر آتش عوامل

روزهای دوشنبه ۴ و سه شنبه ۵ خرداد ۱۳۶۰، بعد از اخبار شب در شبکه اول:

بحث آزاد تلویزیون

درباره «آزادی، هرج و مرج، زورمداری»
باشوکت حزب توده ایران پخش می شود

در این بحث رفیق نورالدین کیانوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران شرکت دارد. سایر شرکت کنندگان در این بحث عبارتند از: آقای بهشتی (از حزب جمهوری اسلامی ایران)، آقای پیمان (از جنبش مسلمانان مبارز) و آقای فتی پور (از سازمان فدائیان خلق «اکثریت»).

از برنامه حزب توده ایران برای تثبیت، تکمیل و گسترش همه جانبه انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران:

برنامه ریزی علمی برای مجموعه اقتصاد

در دوران ما، با رشد گسترده نیروهای مولده و تکامل مناسبات تولیدی، و افزایش نیازمندیهای زندگی مردم و گسترده گری مناسبات کوناگون با دنیای خارج، اقتصاد کشور به صورت مجموعه ای بس بفرنج درآمد است. در چنین شرایطی هماهنگ کردن همه عناصر تشکیل دهنده و موثر در این مجموعه اهمیت خاصی پیدا کرده است. افزایش بجرانهای مختلف و شدت یافتن بیماریهای کوناگون بی درمان جامع سرمایه داری، ضرورت و اهمیت برنامه ریزی علمی را در اداره اقتصاد کشور تاکید می کند. به ویژه در جریان تکامل آینده اقتصاد کشور ما که دوران تحولی بسیار دشوار و بفرنجی آغاز می شود، چنین برنامه ریزی علمی نقش تعیین کننده دارد. در جهان امروز ما، تجارب بسیار گران بها و ارزشمندی برای تنظیم برنامه های اقتصادی بر پایه شناخت علمی و در نظر گرفتن تناسب میان آماج های مشخص، آذوخته شده است که باید از آن برای تنظیم برنامه رشد اقتصادی کشور بهره جست.

دراثر عملیات برون مرزی نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران:

تاسیسات صنعتی عراق بمباران شد

نبرد برای بیرون راندن تجاوزگران صدامی از خاک ایران بقیه در صفحه ۴

مشکلات شرکت واحد را ریشه‌ای حل کنید

مدیر عامل شرکت واحد اتوبوسرانی در مصاحبه‌ای اعلام کرده است که «فقط ۶۰ درصد اتوبوسهای شرکت واحد در حال کارند». این سخنان در حالی گفته می‌شود که قرارداد ششماهه مینی-بوسهای ادارات یا شرکت واحد، در بسیاری از نقاط به پایان رسیده و هنوز معلوم نیست که خطوط مینی-بوس، که در سطح وسیعی به حمل و نقل مسافران کمک می‌کرد، باردیگر دایر خواهد شد یا نه. باین ترتیب، در نتیجه کار نکردن ۴۰ درصد اتوبوسهای شرکت واحد و تعطیل لاقول موقت کار مینی-بوسها در بسیاری از خطوط، مشکل رفت و آمد در تهران ابعاد وسیعی بخود گرفته و بخصوص برای زحمتکشان دشواریهای جدیدی بوجود آورده است. در چنین شرایطی باید با تمام نیرو به حل ریشه‌ای مشکل رفت و آمد پرداخت. یکی از راه‌حل‌های مشکل، همانطور که مدیرعامل شرکت واحد گفته است، تهیه وسائل یدکی برای اتوبوسهای متوقف شده است، تا پار دیگر بتوان از آن استفاده کرد. به نظر ما این امر باید با جدیت تمام دنبال شود و هرچه زودتر بخش عمده اتوبوسهای شرکت واحد، که در تعمیرگاهها بلااستفاده مانده‌اند، در اختیار مردم گذاشته شود. همچنین باید برای بکارگرفتن مجدد مینی-بوسها در سطحی بازم وسیعتر کوشش شود و باین ترتیب به رفت و آمد مردم، بویژه زحمتکشان، کمک جدی رسانده شود. هر قدر این گونه فعالیتها برای کوتاهمدت و در متن تدابیر جدی برای حل مسئله رفت و آمد می‌تواند مفید باشد، اقداماتی از قبیل جدا کردن مردان و زنان در اتوبوسها زیانبار خواهد بود.

مدیرعامل شرکت واحد گفته است: شرکت واحد اتوبوسرانی در صورت اجازه دولت، کمک‌رأئنده استخدام می‌کند، تا ضمن تمیز نگه‌داشتن اتوبوسها و کمک به رانندگان، خانمها را از یک در و آقایان را از در دیگر راهنمایی نمایند، تا بطور مجزا از اتوبوس استفاده کنند (کیهان، ۲۹ اردیبهشت ۱۳۶۰) چنین کاری نه تنها بدست ضداقلاب بهانه تازمای خواهد داد، تا علیه انقلاب به سپاهی بپردازد، بلکه عملی هم نخواهد بود. وقتی در شرایطی هستیم که اتوبوسها قادر نیستند، بدون تفکیک زن و مرد، حتی نیمی از مسافران را به مقصد برسانند، با تقسیم اتوبوسها بدو قسمت، بدلیل تنوع مسافران از نظر کمی و جنسی در ایستگاههای مختلف - که هرگز قابل محاسبه نیستند - بناچار تعداد بسیار کمتری مسافر حمل خواهد شد. آیا بهتر نیست مسئولان در درجه اول به فکر حل ریشه‌ای مسائل باشند؟

تنها مجازات، گرانی را از بین نمی‌برد

در روزهای اخیر بار دیگر اخبار متعددی در مطبوعات به چاپ میرسد که حکایت از مجازات «گرانفروشان» دارد. آخرین این خبرها روز سه‌شنبه ۳۰ اردیبهشت ۱۳۶۰، در صفحه اول روزنامه کیهان چاپ شده، که براساس آن ۲۷ محکوم، تاجر، واسطه و واردکننده محاکمه و مجازات شده‌اند. در میان محکومشدگان میتوان انواع حرفه‌ها را دید. نوع فعالیت و تخلف محکومشدگان بکلی مختلف است. از واسطه آهن گرفته تا مدیران شرکتهای تولیدی و دلالتسای مرغ و سیب، فروشندهگان تخم مرغ، عینک، سیکار و کره در میان ۲۷ محکوم دادگاههای صنعتی دیده می‌شود. جساب اینچاست که یک فروشنده پوشاک به اتهام «گرانفروشی مکرر» محکوم شده است!

درست همین جاست که واقعیت ثابت می‌کند که مجازات تنها نمی‌تواند گرانی طاقت‌فرسا را از میان ببرد و این مشکل بزرگ را حل کند. تجربه همین دو سال بعد از پیروزی انقلاب نشان داده است که تا وقتی «گرانی»، که عامل آن سرمایه‌داران غارتگر هستند، یا اتخاذ تدابیر جدی توسط دولت مهار نشود - که ملی کردن بازرگانی خارجی مهمترین آنست - مجازات و محاکمه «گرانفروشان»، هر قدر هم قاطعانه باشد، مسئله را بطور ریشه‌ای حل نخواهد کرد. مجازات با محکومان و گرانفروشان وقتی اثر قطعی می‌بخشد که گرانی بطور ریشه‌ای حل شده باشد. تنها در این صورت است که مجازات جدی گرانفروشان مشکل را بطور کامل حل خواهد کرد.

اسناد جاسوسخانه...

نتیجه گیری بکنند، ما به یزیدی خاطر نشان ساختیم که برای روسها خیلی مشکل خواهد بود که پول نفت را در از قوی بدهند چون این جلوی پیشرفت اقتصادی را میگیرد. در حال حاضر ۴۰٪ از درآمد مبادلات ارزی شوروی از نفت می‌آید و نتیجتاً از دست دادن چنین درآمدی ضربه‌سهمگینی خواهد بود. مسئله‌ای که این موضوع را حاد می‌کند اینست که این ضربه نسبتاً زود می‌آید. اول ما فکر می‌کنیم روسها سعی خواهند کرد که نفت را در شرایط سبلی بخرند و احتمالاً روی ایران فشار خواهند گذاشت تا با چنین قراردادی موافقت کنند. یزیدی فکر میکرد که این خیلی بعید است که ایران با چنین برنامه‌ای موافقت کند.

۱۰۰ پار مراجعه اتحاد شوروی برای دادن کمک و راه حل، ۱۰۰ پار کارشکنی

(اسناد افشاگری شماره ۱۰ صفحه ۱۱۹) در چندین جا امیر انتظام توضیح داد که روسها خیلی آماده برای همکاری بودند و با پیشنهادهای تازه بطور مداوم می‌آمدند، در حالیکه آمریکاییها هیچ پیشنهادی نداده بودند.

اتحاد شوروی نسبت به ایران آمریکا در لغو قرارداد گاز با اتحاد شوروی

(اسناد افشاگری شماره ۱۰ صفحه ۱۲۴ و ۱۲۵) هم امیر انتظام و هم یزیدی بنظر میرسید که از ملاقات با Smith و Cave راضی بودند. یزیدی مخصوصاً نسبت به خلاصه‌ای که درمورد مسائل انرژی آمریکا بوده خیلی علاقه‌مند بود، ولی از تأثیری که فسخ کردن قرارداد گاز شوروی بر روی برنامه‌های انرژی شوروی می‌گذارد بی‌خبر بود. او گفت ایرانیان میکوشند که قیمت نفت گاز را از ۲۲ سنت در هزار فوت مکعب بالاتر ببرند. او همچنین تکران اتفاقات سیاسی که بخاطر اینکه شوروی بین ۸۳-۸۱ واردکننده نفت خواهد شد ممکن بود صورت گیرد تکران شود و می‌رسید منتظر چه جور فشارهایی باید باشد؟ او اشاره کرد که نظرات شوروی اخیراً خیلی دوستانه بوده.

۷- درمورد اینکه روسها وقتی که با نیاز وارد کردن نفت روبرو میشوند ممکن است چکار کنند، موضعی که از طرف آمریکا گرفته شد این بود که اساساً ما علاقمند به بیان اطلاعات و واقیعت هستیم. ایرانیان خودشان باید

تجیه گیری بکنند، ما به یزیدی خاطر نشان ساختیم که برای روسها خیلی مشکل خواهد بود که پول نفت را در از قوی بدهند چون این جلوی پیشرفت اقتصادی را میگیرد. در حال حاضر ۴۰٪ از درآمد مبادلات ارزی شوروی از نفت می‌آید و نتیجتاً از دست دادن چنین درآمدی ضربه‌سهمگینی خواهد بود. مسئله‌ای که این موضوع را حاد می‌کند اینست که این ضربه نسبتاً زود می‌آید. اول ما فکر می‌کنیم روسها سعی خواهند کرد که نفت را در شرایط سبلی بخرند و احتمالاً روی ایران فشار خواهند گذاشت تا با چنین قراردادی موافقت کنند. یزیدی فکر میکرد که این خیلی بعید است که ایران با چنین برنامه‌ای موافقت کند.

اتحاد شوروی برای همکاری با ایران کاملاً آماده است

(اسناد افشاگری شماره ۱۰ صفحه ۱۱۹) در چندین جا امیر انتظام توضیح داد که روسها خیلی آماده برای همکاری بودند و با پیشنهادهای تازه بطور مداوم می‌آمدند، در حالیکه آمریکاییها هیچ پیشنهادی نداده بودند.

اتحاد شوروی نسبت به ایران آمریکا در لغو قرارداد گاز با اتحاد شوروی

(اسناد افشاگری شماره ۱۰ صفحه ۱۲۴ و ۱۲۵) هم امیر انتظام و هم یزیدی بنظر میرسید که از ملاقات با Smith و Cave راضی بودند. یزیدی مخصوصاً نسبت به خلاصه‌ای که درمورد مسائل انرژی آمریکا بوده خیلی علاقه‌مند بود، ولی از تأثیری که فسخ کردن قرارداد گاز شوروی بر روی برنامه‌های انرژی شوروی می‌گذارد بی‌خبر بود. او گفت ایرانیان میکوشند که قیمت نفت گاز را از ۲۲ سنت در هزار فوت مکعب بالاتر ببرند. او همچنین تکران اتفاقات سیاسی که بخاطر اینکه شوروی بین ۸۳-۸۱ واردکننده نفت خواهد شد ممکن بود صورت گیرد تکران شود و می‌رسید منتظر چه جور فشارهایی باید باشد؟ او اشاره کرد که نظرات شوروی اخیراً خیلی دوستانه بوده.

۷- درمورد اینکه روسها وقتی که با نیاز وارد کردن نفت روبرو میشوند ممکن است چکار کنند، موضعی که از طرف آمریکا گرفته شد این بود که اساساً ما علاقمند به بیان اطلاعات و واقیعت هستیم. ایرانیان خودشان باید

دکتر بهشتی:

انقلاب ایران خود را نسبت به فلسطین متعهد و مسئول میداند

دستگاه قضائی روشن خواهد شد که آیا این اقدام سرعت بوده است یا نه؟

دکتر بهشتی در قسمت دیگر از سخنانش، در مورد حمایت ایران از سوریه در مقابل تجاوزات صهیونیسم، اظهار داشت: «انقلاب ما از خیلی سالها پیش خود را نسبت به سرزمن و مسئول میدانسته و این قصد را اعلام هم کرده است. ملت حالا خود را متعهد میداند که در حد مقدرات در این راه بکوشد که مردم فلسطین و سرزمن فلسطین آزاد شوند. بنابر این تنها حلی که وجود دارد، حد واقعی مقدرات ماست، و گر نه آرمان و آرزوی ما این است که با تمام توان در این راه بکوشیم و ملت مسلمان برادر سوریه را هم در راه مقابله با صهیونیسم متجاوز، این مزدور کثیف امریکا در منطقه، یاری دهیم».

دکتر بهشتی در ادامه این مصاحبه، با اشاره به بحث آزاد تلویزیون، تأکید کرد که گرانندگان این برنامه درصدا و سیمای جمهوری اسلامی از اجزای برای منظره دعوت کرده‌اند که در جامعه دارای کمیت قابل ملاحظه‌ای باشند.

آیت‌الله دکتر بهشتی، رئیس دیوانعالی کشور، صبح دیروز طی يك مصاحبه مطبوعاتی با شرکت خبرنگاران خارجی و داخلی، ضمن اشاره به مسائل مختلف، تأکید کرد که ایران، «به سوریه در راه مقابله با امپریالیسم و صهیونیسم، کمک خواهد کرد».

دکتر بهشتی در آغاز این مصاحبه در پاسخ به سئوالی در مورد اسناد سرقت‌شده از وزارت امور خارجه، گفت: «برای من تعبیر این سئوال که گفته شد سرعت، هنوز از نظر قضائی و اخلاقی به این عنوان قابل طرح نیست. کسانی که وزارت خارجه رفته‌اند و باتبای با یکی از ماموران آنجا مقداری از اسناد را گرفته‌اند که به بیرون از وزارت خارجه ببرند، طبیعی است که اولین سئوال از آنها این است که چه مجوز قانونی برای این کار خود داشته‌اند، و اینکار را یادگام خواهد کرد و نتیجه را با تحقیق کافی به اطلاع عموم خواهد رساند. تأکید می‌کنم که در جمهوری اسلامی نسبت به همه این مسائل باید هم قاطع عمل شود و هم سریع و هم صحیح. بدیهی است پس از رسیدگی سریع

برای مقابله با تجاوز نظامی آمریکا، تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود!

تاسیسات صنعتی...

بقیه از صفحه ۱

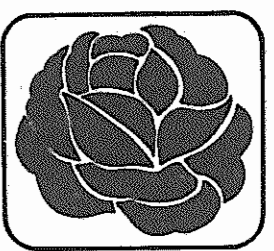
همچنان در جبهه‌های غرب و جنوب کشور ادامه دارد. ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران با انتشار اطلاعیه ۵۰۷ خود، گوشه‌ای از عملیات نیروهای جمهوری اسلامی ایران را به آگاهی رساند.

بر اساس این اطلاعیه، در جبهه‌های آبادان و خونین‌شهر، بر اثر اجرای آتش نیروهای رزمنده ما بر روی مواضع دشمن، دستگاه، تانک، ۳ خودرو، یک لودر، چند سنگر گروهی و انفرادی، چند سنگر دیده‌بانی و یک انبار مهمات دشمن به آتش کشیده شد. سربازان صدام در پاسخ، بر روی مناطق مسکونی آبادان آتش گشودند، که در نتیجه تلفات و خساراتی بی‌ار وارد.

بر اساس این گزارش جنگنده‌های هواییمائی نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران، هوانیروز، در جاده ماه‌شهر-آبادان، تعدادی تانک، یک خودرو و یک انبار مهمات متجاوزان صدامی را به آتش کشیدند و یک کلسی منهدم کردند.

به موجب این گزارش جنگنده‌های نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران در عملیات بر روی مرز خود، پالایشگاه خانیقین را زیر آتش گرفته و به دو واحد تاسیسات صنعتی در موصل و اربیل خساراتی وارد آوردند.

چاپ جدید تقویم سال نو



با اصلاحات منتشر شد

صدامی وضد انقلاب راست‌وچپ - نما، در راه تامین حقوق جوانان و تحکیم اتحاد آنان و ساختن ایرانی مستقل، آزاد آباد از هیچ تلاشی و کوششی فروگذار نکنیم. زنده باد حزب توده ایران، حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران!

زنده باد جبهه متحد خلق، ضامن تثبیت، تحکیم و تعمیق انقلاب شکوهمند مردم ایران! سازمان جوانان توده ایران دبیر اول: کیومرث زرشناس

استقلال، آزادی و شکوفائی میهن و تامین حقوق جوانان رزمیده و می‌رزمند، برنامه حزب، صوب پلنوم را چراغ راهنمای خویش قرار خواهند داد.

ما جوانان توده‌ای سوگند یاد میکنیم، که در راه تحقق مصوبات هفدهمین پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران، در دفاع از میهن انقلابی در قبال توطئه‌های امپریالیسم، پسرگردگی آمریکای جنایتکار، تجاوزگران

پیام شادباش

بقیه از صفحه ۱

محروم و زحمتکش میهن از استثمار و غارتگری معین ساخت، رفقای عزیز!

اعضاء و هواداران سازمان جوانان توده ایران، که تحت رهبری حزب توده ایران، حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران، در راه آرمان والا و انسانی و رهائی و پیروزی زحمتکشان، در راه

کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است!

۸۸۸ شعبه ۶۰۱ بانک ملی ۳۱۱۰۰ ریال

برای جنگ زدگان بحساب ۸۸۸ شعبه ۶۰۱ بانک ملی ۵۰۰۰ ریال

ابوالقاسم ۱۰۰۰ ریال

رفقای قانین‌شهر در جبهه‌های جنگ الف.ع.ر.ع.ب.م.ر.ص.س ۸۰۰۰ ریال

هومن و تامارا ۲۰۰۰ ریال

نوشین م. از اصفهان ۲۰۰۰ ریال

نرگس. ب. ۲۰۰۰ ریال

خدیجه از کرج ۵۰۰۰ ریال

ن. الف از کرج ۲۰۰۰ ریال

عاطفه ۱۰۰۰۰ ریال

رفیعی از شهر یاز ۸۰۰۰ ریال

جمع آوری شده در جشن عروسی برای جنگ زدگان به حساب

کردن بند طلا با آویزه بشکل لنگر يك رشته از طرف‌فرزانه گردن‌بند الله طلا بدون زنجیر يك قطعه

دربارهٔ یک ترفند امپریالیستی:

بجای متحد کردن همه نیروهای اصیل انقلابی در برابر دشمن مشترک، جدا کردن آنها تحت عنوان اختلافات پینشی!

از افتادن در دام این ترفند بزرگدرباشیم!

سرمایه‌داران با اصلاح متمدن و کم‌عده بر زحمتکشان کشور خویش، کبر صدها میلیون نفر بالغ است، منشاء می‌گیرد. "مولف می‌افزاید. "لنین گفت ما باید هواداری خود را از مسلمانان و حق استقلال آنان، به رسم‌ترین و شگوه‌مندترین شکل نشان دهیم."

این نظر لنین است، که یکی از پایه‌گذاران اصلی مارکسیسم-لنینیسم است. در عین حال این روش اوست در نبرد علیه سرمایه‌داری غارتگر بین‌المللی در نبرد علیه جور و ستم در قبال مسلمانان و بویژه جنبش‌های مترقی اسلامی.

حالا اگر کسانی بیایند این سیاست اتحاد مسلمانان مبارز و مارکسیست‌های اصیل را (که بهترین مسلمانان و بهترین مارکسیست‌ها همیشه خواهان آن بوده‌اند) با انگیزه‌های بحث‌های پینشی، که امور اعتقادی است و نه تحمیلی، بر هم بزنند، یا جزء گروهی هستند که ناآگاهانه و ناخواسته در دام ترفند امپریالیستی افتاده‌اند و یا جزء گروهی که اصلا ترفند بازند.

در امور اعتقادی کلی، در امور پینشی، بدون برده‌پوشی غیر صادقانه در مورد اختلاف‌ها و با قبول ضرورت بحث‌ها، مامعتقدیم که باید طوری عمل کرد که پایه‌های اتحاد خلق متزلزل نشود، یعنی تکیه بر بروری اتحاد عمل خلق، علیه دشمن مشترک نهاد و نه بر روی اختلافات پینشی.

بزرگ کردن اختلافات پینشی، قراردادن تکیه بر روی آن، ترفند امپریالیسم است. برحذر باشیم! ما هرگز در دام این ترفندها نیفتاده‌ایم و نخواهیم افتاد، ما امیدواریم که مسلمانان مبارز و صدیق نیز در دام این ترفند نیفتند.

برای آنکه روشن شود که سخن آیت‌الله شهید مطهری، که امام خمینی او را "فرزند عزیز برای من و پیشوانه‌ای محکم برای حوزه‌های دینی و علمی و خدمتگزار سوادمند برای ملت و کشور خوانده‌است، از سر بی‌اطلاعی و بی‌توجهی نبوده، مثلا شیوه برخورد لنین به اسلام را یادآور می‌شویم: آکادمیسین پیرماکف در مقاله "لنین و اسلام"، که به فارسی نیز ترجمه شده، می‌نویسد: "لنین و انترناسیونال کمونیستی (که توسط او تاسیس شد) برای آن سازمان‌ها و جنبش‌های اسلامی، که خصلت ضد امپریالیستی داشتند و توده‌های گسترده خلق را فرامی‌گرفتند، ارزش عالی قائل بود. "مولف در تائید نظر خود مثالی را مطرح می‌سازد و می‌نویسد: "مثلا در سال ۱۹۱۹، لنین در پاسخ به این پرسش روزنامه نگار آمریکایی که پرسید: تاکتیک جمهوری روسیه؟ شوری نسبت به کشورهای اسلامی خارج از مرز روسیه چیست، گفت: "فعالیت شوری در رابطه با مسلمانان خارج از مرزهای ما، از تمایل کم‌بهره‌تر مستقل و آزاد هر خلق، از نفی بدون قید و شرط تمام عوامل تحکیم‌کننده ستمگری

همچنانکه در دنیا و اروپا زیاد پیدا شده‌اند کسانی که مارکسیست هستند و در عین حال ضد دین و ضد خدا نیستند. (کتاب نامبرده، صفحات ۱۰۱-۱۱) چنانکه می‌دانیم، مارکس و انگلس و لنین همیشه اعلام جنگ علیه مذهب را رد و برخورد احترام آمیز به معتقدات مذهبی توده‌ها را به مارکسیست‌ها توصیه می‌کردند و همکاری با مذاهب مختلف را ضروری می‌شمردند. مارکس با نظر بر کونین که معتقد بود باید "بی اعتقادی به مذهب" را به مثابه شرط شرکت در اساس - نامه "بین الملل اول" کارگران و زحمتکشان گنجانند، به شدت مخالف بود. انگلس گفته‌است که ویاروشی با مذاهب کاری است ابلهانه. لنین در موقعی که یک کشیش تقاضای عضویت در حزب کمونیست را مطرح ساخت، تصریح کرد که ما بدون کمترین مداخله در معتقدات مذهبی تقاضاکننده، باید این پیشنهاد عضویت را بپذیریم، زیرا شرط عضویت تنها قبول برنامه‌نوسازی سوسیالیستی جامعه‌است لاغیر.

سوسیالیستی، که در آنها کمونیست‌ها قدرت حاکمه را در دست دارند، بر ضد امپریالیسم برقرار کرده‌اند. این تاکتیک و ترفند امپریالیستی است که می‌خواهد مسلمانان مبارز پیرو خط امام را بجان مارکسیست‌هایی، که آنان نیز از خط ضد امپریالیستی و مردمی امام خمینی پشتیبانی می‌کنند، بیندازد. تا جنبه انقلاب را تضعیف و دستبرد خود را تسهیل کند. باید از افتادن در دام این ترفند برحذر بود. آیت‌الله شهید مروتی مطهری، در کتاب "مارکس و مارکسیسم"، که علیه ایدئولوژی مارکسیستی نوشته، با توجه به این ترفند، در موقع خود این عبارات را نگاه داشته‌است: "مارکسیسم جزء جوهر مارکسیسم نیست، هر چند که خود مارکس ماتریالیست و مدافع آن بود. ولی امروز در دنیا ماتریالیسم را برای مارکسیسم یک امر ضروری نمی‌دانند. بر خلاف دیالکتیک که جزء ارگان مارکسیسم است و برای آن ضروری است. هم چنین ماتریالیسم تاریخی جزء اساس مارکسیسم است. مانند سوسیالیسم (اشتراکیت) که آنهم قابل انفکاک از مارکسیسم نیست. ولی می‌شود نظریات مارکسیستی را از افکار ضد دینی و ضد خدائی جدا کرد.

برژینسکی، مشاور رئیس جمهور سابق آمریکا، در ملاقات خود با هیئت نمایندگی دولت موقت در الجزیره، از جمله مطالبی که گفت، یکی هم این بود که: ما "خداپرستان" (یعنی آمریکا و رژیم انقلابی ایران!) باید علیه "منکران خدا" (مقصود برژینسکی همه معتقدان به سوسیالیسم علمی است) متحد شویم.

کوشش برژینسکی این بود که مبارزه جنبش انقلابی مردم میهن ما را در راه استقلال سیاسی و اقتصادی، در راه آزادی و حقوق دموکراتیک، در راه عدالت اجتماعی بسود توده‌های زحمتکش، به مبارزه علیه بخشی از هواداران انقلاب، که به جهان بینی مارکسیسم-لنینیسم اعتقاد دارند، مبدل سازد.

گروهی از روی صداقت گمراهانه و بدون اطلاع از ترفند امپریالیسم آمریکا - دشمن اصلی مردم ایران، در این دام افتاده‌اند، و گروهی دیگر از روی قصد آگاهانه و به نیت شرکت در این ترفند، خط برژینسکی را دنبال می‌کنند. ماهر روز شاهد صحنه‌ای از آن هستیم.

جمعی از مسلمانان صدیق و مطلع و انقلابی همیشه اتحاد خود را با مارکسیست‌های اصیل بر سر امر عدالت اجتماعی، استقلال و آزادی ممکن می‌شمردند و بر آن نبودند که باید با بزرگ کردن اختلافاتی که در برخی مسائل پینشی وجود دارد (البته بدون آنکه این اختلاف برده‌پوشی شود یا مسکوت بماند) امر اتحاد آنها در مقابل دشمن مشترک مختل و بی اثر گردد. شخصیت‌هایی مانند جمال - عبدالناصر، حافظ اسد و معمر قذافی و... را باید نمونه این مسلمانان صدیق، مطلع و انقلابی دانست که با حفظ ایدئولوژی خود، با حفظ استقلال خود، مناسبات دوستانه و همکاری میمانه با اتحاد شوروی و سایر کشورهای

تجدید سازمان «شورای دولتی نوسازی ملی نیکار اگوئه»

گامی در راه افزایش کارایی این نهاد انقلابی

سیاسی و اقتصادی امپریالیسم ایالات متحده آمریکا گسترش دسیسه‌های ضد-انقلابی، از اینراه، مواضع خود را تقویت بخشیده‌است. بدین ترتیب، پس از پایه‌گذاری "شورای دولتی نوسازی ملی"، چندروز پیش از پیروزی خلق نیکار اگوئه در ۲۸ تیر ۱۳۵۸ (۹ ژوئیه ۱۹۷۹)، برای دومین بار در ترکیب بالاترین نهاد دولتی نیکار اگوئه تغییراتی صورت می‌پذیرد. در اواسط بهار سال ۱۳۵۸ کوردووا ریواس و آرتورو کروس جایگزین دو عضو دیگر "شورای دولتی" شدند.

است. سرخپو را میرس نیز وابسته‌ترین سازمان است. رافائل کوردووا ریواس نمایندگی "حزب محافظه کار دموکرات" ("پ.ا.د.") را بعهده دارد. بر پایه یک بیانیه رادیو-تلویزیونی، انگیزه تجدید سازمان "شورای دولتی نوسازی ملی نیکار اگوئه" که به ابتکار "اف.اس.ال.ان." صورت گرفت، "افزایش همبستگی، توانایی و کارایی دولت" است. به گزارش مطبوعات مکزیک، ناظران سیاسی معتقدند که "شورای دولتی"، با توجه به افزایش فشار

"شورای دولتی نوسازی ملی نیکار اگوئه"، بالاترین نهاد دولتی کشور، شماره اعضای خود را از پنج به سه کاهش داد. اعضای کنونی این نهاد عبارتند از: دانیل اورنگا، سرخیو رامیرس و رافائل کوردووا ریواس. در ضمن، دانیل اورنگا هم‌اکنون "شورای دولتی" است. دو عضو سابق این شورا، آرتورو کروس و موسیس حسن به دیگر سمت‌های مهم منصوب شده‌اند. کماندانت انقلاب، دانیل اورنگا، عضو رهبری ملی جبهه آزادیبخش سان‌دینیس ("اف.اس.ال.ان.")

از گزارش هیئت سیاسی به هفدهمین پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران:

نیروهای جبهه پایداری

در جبهه مبارزه برای پایان دادن به تسلط امپریالیسم

و از این مواضع حساس به طور مداوم پذیر ففاق بیافشانند. دشمنان انقلاب ایران مانند سازشکاران و تسلیم‌طلبان به این واقعیت بسیار دل بسته‌اند و با تمام نیرو به وسیله تحریکات دامنه‌دار خود در صدد تشدید این پدیده زیان‌بارند. سببگیری اساسی همه تبلیغات رادیوهای دشمن مانند صدای آمریکا، بی‌بی‌سی، رادیو اسرائیل، قاهره، بغداد، رادیوهای بختیار و اویسی و همچنین روزنامه‌های وابسته به گروه‌های سازشکار و تسلیم‌طلب لیبرال در ایران همگی در جهت ایجاد و زرف کردن شکاف در درون جبهه نیروهای پایداری است.

اکثریت مطلق کارگران و دهقانان و اقشار زحمتکش پیشرو و کسبه و روشنفکر، مبارزان دیر جبهه ضد امپریالیستی و ضد استبدادی در سپاه پاسداران، بسیج مستضعفان و داوطلبان جهاد سازندگی و نیروهای راستین هوادار انقلاب، چه مذهبی و چه سیاسی، ارتش عظیم این جبهه را تشکیل می‌دهند. جبهه نیروهای پایداری از طیف وسیع و رنگارنگی بوجود آمده که مجموعه آن در یک شعار اشتراک نظر و عمل دارند و آن مبارزه پیکر و آشتی-ناپذیر در راه پایان بخشیدن به تسلط جابرانه و غارتگرانه امپریالیسم و ضد انقلاب «آریامیری» است. این طیف که به شدیدترین وجهی مورد نفرت اردوگاه امپریالیستی و ضد انقلاب و همچنین سازشکاران و تسلیم‌طلبان است، از یک سو قشری‌ترین عناصر مذهبی و از سوی دیگر پیروان راستین سوسیالیسم علمی را دربر می‌گیرد. در میان این دو انتها نیروی وسیع مبارزان مذهبی-پیرو خط امام خمینی و سایر نیروهای صادق مردمی ضد امپریالیسم و ترقی خواه مبارزه می‌کنند. با کمال تأسف، این واقعیت را باید یادآور شد که بی‌تجربگی، تنگ‌نظری و انحصارطلبی نیروهای قشری موجب شده است که این جبهه نتواند از تمامی نیروهای خود بهره‌گیری کند و چنین وضعی در چنین مرحله دشواری از تبرد تاریخی انقلاب ایران علیه دشمنان و سازشکاران زیان‌های جبران‌ناپذیری را به انقلاب وارد ساخته است. این تنگ‌نظری امکان داده است که عناصر دشمن مزورانه خود را یا مسلمان‌نمائی در بسیاری از نهادهای انقلابی جای دهند



تفرقه بین نیروهای مترقی و ضد امپریالیسم تنها به نفع امپریالیسم تمام می‌شود

انجمن همبستگی سندیکاها و شوراها و نمایندگان منتخب کارگران تبریز و حومه:

حفظ و تحکیم وحدت در برابر دشمنان انقلاب یک ضرورت حیاتی است!

در آستانه فرارسیدن روز کارگر در تبریز، از سوی "انجمن همبستگی سندیکاها و شوراها و نمایندگان منتخب کارگران تبریز و حومه" بیانیه‌ای انتشار یافت. در این بیانیه، ضمن تبریک این روز خجسته به عموم زحمتکشان و تصریح این امر که "انقلاب... با وسیع‌ترین توطئه بر سر اندازی امپریالیسم جهانی، بسرکردگی آمریکا و ضدانقلاب داخلی... روبروست، مخصوصاً در منطقه ذریابجان همانطور که امام خمینی رهبر انقلاب خاطرنشان ساختند، برای درهم ریختن آرامش این منطقه و ایجاد تفرقه و تشتت شدید، توطئه‌هایی از جانب ضدانقلاب در کار است"، گفته شده که علیرغم دعوت این انجمن به تشکیل کمیته برگزاری جشن اول ماه، "ستاد برگزاری مراسم روز کارگر تمایلی به همکاری با سندیکاها و شوراهای فعال در شهر نشان نداده، با این وجود، انجمن، با آگاهی به نکات یاد شده و درک لزوم حفظ و تحکیم وحدت در برابر دشمنان انقلاب، از ستاد برگزاری مراسم روز کارگر صمیمانه دعوت به همبستگی و همکاری می‌نماید و به نوبه خود از ستاد برگزاری... انتظار دارد... از همکاری کلیه سازمان‌های صنفی کارگران و زحمتکشان تبریز... بدون هیچ گونه تبعیض استقبال نماید."

امام خمینی بر علیه دشمن اصلی ما و مستضعفین سراسر جهان یعنی امپریالیسم جهانی (به سرکردگی آمریکا) که برای درهم شکستن انقلاب... و سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی ایران از امکانات کلیه نیروهای مترجع منطقه و بویژه نیروهای ضدانقلاب و سازشکار داخلی، اعم از بقایای رژیم منقرض شده، سرمایه‌داران بزرگو و وابسته، مخصوصاً تجار، بزرگ مالکان و سرمایه‌داران لیبرال... استفاده می‌کند؛

نهادهای انقلاب نظیر سپاه پاسداران، جهاد سازندگی، هیئت‌های واگذاری زمین و غیره... قطع کامل وابستگی اقتصادی به کشورهای امپریالیستی و توسعه صنایع سنگین و مادر و کمک به رشد صنایع کوچک و دستی نظیر قالی بافی و غیره با تشکیل تعاونی‌های تهیه مواد اولیه توزیع، تولید و فروش؛

خاطرات کارگران از خط مقدم جبهه

گوشه‌ای از قهرمانی‌های کارگران اداره حمل و نقل - قسمت تعمیرات

مجید پنی شهید، کارگر شهید تعمیرات پالایشگاه، در آستانه مرگت: «مرا رها کنید و آتش را خاموش کنید»

مهار کرد. باتمام وجود به میان آتش رفته و به اتفاق سایرین با هر وسیله‌ای که در دسترس داشتیم، به خاموش کردن آتش پرداختیم. در آن هنگام متوجه شدیم که ماشین آتش نشانی آب ندارد. من ماشین را برداشتم و از دروازه "تانک فارم"، که روبروی سنگر عراقی‌ها قرار داشت، خارج شدم و پس از پر کردن منبع آب ماشین، در زیر رگبار گالیبر ۵۰ و آ. پی. جی ۷ به سوی رفته. ۷ مجدداً به محل آتش -

کردن آتش به تانک فارم رفت و در زیر رگبار گالیبر ۵۰ و آ. پی. جی ۷ به مهار کردن آتش مشغول شد. در این عملیات در اثر حرارت زیاد به بینی‌ام صدمه وارد آمد، ولی چشم که میبید، من حاضرم جان خود را فدای انقلاب کنم. یکی از روزها "قیرخانه" مورد اصابت خمپاره‌های دشمن تجاوزگرواقع شد. در آن روز ما مشغول تخلیه انبارها شدیم. در اثر اصابت خمپاره‌ها چند تن از کارگران شهید و مجروح شدند. شهدا عبارتند از: "مجیدبنی سعید" متولد ۱۳۳۸ کارگر قسمت تعمیرات کلی پالایشگاه و "باقر دریس" متولد ۱۳۳۸ کارگر اداره مرکزی پالایشگاه. این کارگران بدون توجه به آتش خمپاره، به منظور نجات اموالی که متعلق به خلق بود، جان خود را فدای انقلاب کردند. هنگامی که مجیدبنی سعید را، که به تازگی نامزد کرده بود، در آمبولانس می‌گذاشتیم، به ما گفت: "مرا رها کنید و بروید آتش را مهار کنید".

بهرام ورامینی کارگر تعمیرات شرکت نفت هم یکی از دوستانم بود که داوطلبانه به جبهه ذوالفقاری رفت و در اثر اصابت گلوله آ. پی. جی ۷ شهید شد.

گزارش زیر خاطرات یکی دیگر از کارگران حمل و نقل است، که به اتفاق کارگر قبلی به جبهه خونین شهر رفته بود. روزی که برای خاموش کردن آتش به "تانک فارم" رفته بودیم به هیچ چیز فکر نمی‌کردیم جز اینکه آتش را باید

جشن اول ماه مه در شیراز زحمتکشان شیراز جشن اول ماه مه را با تشییع جنازه دو پاسدار شهید برگزار کردند



در میان اشک و گل، در میان خشم و امید مردم زحمتکش و در حضور دو گل پرپر انقلاب، هزاران نفر از مردم شیراز، اول ماه مه، روز همبستگی بین‌المللی کارگران و زحمتکشان سراسر جهان را در ۱۱ اردیبهشت ماه جاری برگزار کردند.

در چند کارخانه، در جشن‌های اول ماه مه، طی مراسم متنوع، ضمن یادآوری تاریخچه و اهمیت این روز تاریخی و یادآوری نقش و وظایف کارگران در لحظه کنونی قطعه‌نامه‌هایی صادر شد. در این قطعه‌نامه‌ها، کارگران ضمن حمایت از رهبری انقلاب و نهادهای انقلابی، خواستار ادامه مبارزه با امپریالیسم آمریکا و سرمایه‌داران وابسته و بزرگ مالکان و جلوگیری از اخلاف در کارخانه‌ها و تدوین قانون جدید کار با شرکت نمایندگان کارگران شدند.

در تظاهرات ۱۱ اردیبهشت، پیشاپیش راهپیمایان، کارگران کارخانه‌های مختلف شیراز، مانند کوره‌پزخانه‌ها، کارخانه‌های آد میرام، ایران بایگا، پرسولیس، پالایشگاه، روغن نباتی ترکس شیراز، کارگران بازار کارگران عضو بسیج و... با شاخه‌های گل سرخ در دست، با چهره‌هایی حاکی از خشم نسبت به دشمنان انقلاب و ایمان به آینده، تا بنک میهن، در صفوف منظم دیده می‌شدند. در جلوی راهپیمایان مجسمه یک کارگر، که با تفنگی در دست بسوی آمریکا جنایتکار و صدام نشان برافراشته بود، به چشم می‌خورد. عده زیادی از زنان نیز با پلاکاردها کارگران را همگامی میکردند.

دو گل پرپر در جبهه‌های جنگ تحمیلی رژیم صدام علیه ایران، دو پاسدار شهید، عباس ذاکر حسینی و مسعود خلعتی، که بر شانه‌های انبوه توده مردم حمل می‌شدند، شاهد گویای جنایات آمریکا و صدام علیه انقلاب - مردم زحمتکش میهن صحنه‌ای عجب - انگیزی از آمیزش غم و شادی را در جشن اول ماه مه در شیراز به نمایش در می‌آورد.

در پاسخ تشییع کنندگان که فریاد می‌زدند: "این گل پرپر ما است - خمینی رهبر ما است"، غریب مرگ بر آمریکا "از زبان همگان، ناقوس مرگ امپریالیسم را به طنین می‌آورد. آنگاه کارگران با خشم فریاد می‌زدند: "تفرقه، تفرقه، توطئه" آمریکا است "و زنان پاسخ می‌گفتند: "اتحاد، اتحاد، گفتار همبر ما است" و صف تشییع کنندگان بانگ بر می‌آورد "به پیدا کردیم.

یکی از ساکنین خونین شهر از اتفاق دردناکی که برایش افتاده بود تعریف می‌کرد. وی هنگامی که به همراه زن و فرزندش برای انتقال اثاثیه خانه خود، که حاصل چهل سال کار پر مشقت او بود، رفته بود، طفل هفت ماهه خود را از دست داد. جریان از این قرار بود که هنگامی که او به اتفاق افراد خانواده اش مقداری از اثاثیه را به خارج از خانه منتقل کرده بودند، خانه آنها مورد اصابت خمپاره قرار می‌گیرد. بعد که وارد خانه می‌شوند، با جسد تکه تکه شده طفل هفت ماهه خود روبرو می‌شوند.

گفته خمینی، تضعیف رزمندگان توطئه آمریکا است. زنان در قدردانی از کارگران و دهقانان شعار میدادند: "کارگر، کار تو ما یه افتخار است - بزرگ دست تو پرچم افتخار است".

در پایان مراسم، کانون شوراهای اسلامی در پیامی کارگران شیراز را به اتحاد و تشکل دعوت کرد. همچنین صباح زنگنه، نماینده شیراز در مجلس شورای اسلامی، طی سخنانی به بیان تاریخچه این روز و مبارزات کارگران علیه سرمایه‌داری پرداخت.

ادامه داد، تا اینکه پوزما میرالیست‌ها، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، به خاک مالیده شود. یکی از کارگران که سرکار گرفت - تعمیرات است و از ابتدای جنگ بطور فعال مشغول انجام وظیفه بوده است اینطور تعریف می‌کرد که: "هنگامی که اداره حمل و نقل - قسمت تعمیرات - مورد اصابت خمپاره قرار گرفت، من زبیر یکی از ماشین‌ها خوابیده بودم و مشغول تمیز کردن لوله بنزین بودم. در ده قدمی من یکی از کارمندان اداره بنام "دریایی" قرار داشت. متأسفانه خمپاره به او اصابت کرد و من به محض شنیدن صدا از جا برخاستم، ولی از دریایی تنها یک لنگه کفش با ضافه تکه کوشتی در آن بچامانده بود. یک روز بعد هم سراو پیدا شد. در این جریان دفتر اداره حمل و نقل بلکی سوخت".

بیکاری امان کارگران قهرمان ما علیه تجاوزگران صدامی نشانگر ایمان این طبقه انقلابی به انقلاب و دستاوردهای آن است. آنها در خط مقدم جبهه و در زیر آتش مداوم سلاح‌های دشمن از جان مایه می‌گذارند و به هیچ چیز جز پیروزی بر دشمن متجاوز و بهروزی زحمتکشان میهن ما نمی‌اندیشند.

اعدام فتودال خوزستانی بجرم همکاری همه جانبه با تجاوزگران صدامی

بر فعالیتهای مغربو ضدانقلابی بزرگ مالکان را با اجرای فوری و کامل قانون اصلاحات ارضی عقیم کنیم

موشک‌های آر-بی - جی هفت جهت عملیات و شرکت در عملیات نافرمام انفجار ریل قطار در دادگاه انقلاب اسلامی دزفول محاکمه و محارب با خدا رسول خدا شناخته شد و به اعدام محکوم گردید که پس از تایید دادگاه عالی قم حکم صادره در ساعت ۲۲ شب ۲۲/۱۲/۵۶ به اجرا درآمد.

دادسرای انقلاب اسلامی دزفول بتازگی اطلاعاتی منتشر کرده و در آن از اعدام یکی از فتودال‌های فراری، که با تجاوزگران جنایتکار صدامی همکاری داشته، خبر داده است. در اطلاعیه دادسرای انقلاب اسلامی دزفول آمده است:

"بسمه تعالی
با آغاز جنگ تحمیلی عده‌ای از فتودالها و شیوخ با استقرار حکومت ورشکستگان سیاسی و ساواکی‌های متواری به توطئه گری علیه انقلاب اسلامی ایران برخاستند در این رابطه حسین فرج اله کعب فرزند شیخ مفتن از فراریانی بوده که به مزدوری رژیم بعث عراق درآمد، به جرائم خروج غیرمجاز از مرز و پیوستن به فراریان و مزدوران بعث عراق، عضویت در جبهه باصطلاح آزادبخت خوزستان، دیدن دوره‌های نظامی خرابکاری و دیدن دوره آموزش سیاسی حزب بعث در عراق، حمله به شهر دهلران و شناسایی منطقه وتیراندازی به قوای اسلام، گرفتن سلاح کلاشینکف از رژیم بعث و حمل مواد منفجره و

لایحه واگذاری اراضی، در محو کامل سلطه شیوخ و فتودال‌ها بر روستاها و قفقای حاصل گردید که موجب آن شده است که در روستاهایی که هیئت استان خوزستان هنوز فرصت عمل در آنها نیافته، شیوخ و فتودال‌ها به سلطه طاغوتی خویش ادامه دهند.

چون این سلطه در منطقه هنوز کاملا از بین نرفته است ادامه این توقف میتواند خدا نکرده منجر به سلطه مجدد گردد. سلطه مجدد افرادی که به راحتی سه فرغ و شوراها را از بین بردند و سبانی در اهواز را قتل عام و دونفر از کشاورزان روستاهای ایذه را شهید مینمایند.

اطلاعیه دادسرای انقلاب اسلامی دزفول و نیز گزارش هیئت واگذاری زمین در خوزستان، یکبار دیگر تضعیف جبهه و پشت جبهه انقلاب توسط بزرگ-

روزنه امیدی که برای اجرای بند "ج" (اراضی بایر بزرگ مالکان) و بند "د" (اراضی دایر بزرگ مالکان) باز شده، نه تنها به یک حق کشتی آشکارو به یک ستم دیرینه پایان میدهد، بلکه تنها راه را برای ایجاد یک اقتصاد کشاورزی سالم و شکوفایز میکند. اجرای بند "ج" و بند "د" نه تنها حمایت پر شور و دفاع شکست ناپذیر دهقانان را از انقلاب تأمین خواهد کرد، بلکه جلوی ارتکاب اینگونه جنایات را از جانب فتودال‌های تبهکار و خائن خواهد گرفت و ریشه آدمکشی، میهن فروشی و توطئه ضدانقلابی را خواهد خشکانید.

فعالیت مؤثر

شورای ده

«قلعه سرد»

در پاکسازی عناصر

غیر انقلابی

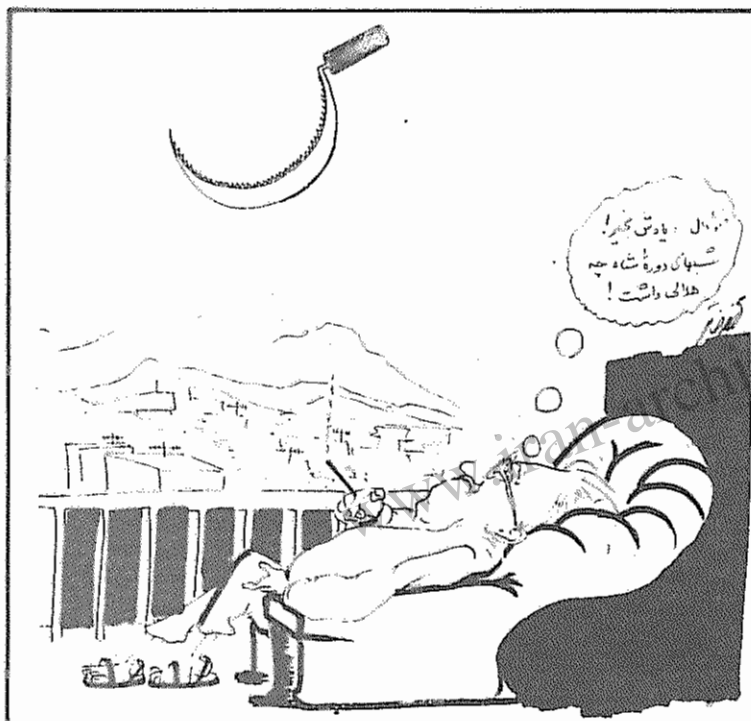
از شرکت تعاونی

شورای دهروستای «قلعه سرد» با بسیج اهالی ویاری نهادهای انقلابی، به خلاف کاری عامل فروش شرکت تعاونی، که مخالف مصالح انقلاب بود، پایان داد.

شرکت تعاونی روستای قلعه سرد، یکی از روستاهای بخش دهدیز از توابع ایذه، بعثت وجود برخی عناصر ناپاب، به عاملی در جهت ناراضی کردن اهالی تبدیل شده بود. شورای روستای قلعه سرد پس از تشکیل توانست روستائیان را سازمان دهد. گرداننده فروشگاه تعاونی جم، یکی از مهرهای طاغوتی بود که در زمان نمایندگی نماینده سابق مجلس فرمایشی رژیم خائن پهلوی از شهرستان ایذه، به مردم تحمیل شده بود. این فرد با کارهای ضدانقلابی خود از قبیل: ندادن سهمیه سیگار، کم فروشی، گران فروشی، ایجاد دکه شخصی در جنب تعاونی، سوء استفاده از امکانات تعاونی، فروش کالاها ی دهقانان مستضعف در بازار آزاد و بقالی‌های مورد نظر خود، تقلب در دریافت کوبین و ندادن کالاهای مشتریان موجب خشم و ناراضی دهقانان شده بود. لذا اعضاء شورا با مراجعه به دهقانان و جمع آوری طومار درخواست مفصلی تنظیم کردند و در ارتباط با نهادهای انقلابی، چون سپاه پاسداران و جهاد سازندگی، توانستند به چپاول و غارت این فرد منحط سودجو پایان دهند.

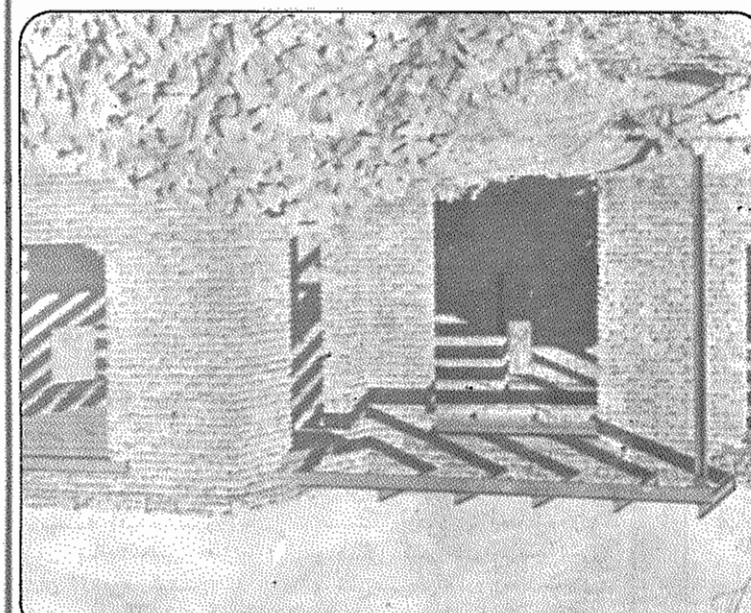
این اقدام شورای فعال مردمی روستای قلعه سرد، از جمله مزایای این گونه شوراهاست. دهقانان زحمتکش در روستاهایی از شهرستان، که هنوز شوراها را تشکیل ندادند، باید با توجه به فواید شورا، هر چه زودتر این نهاد را تشکیل دهند و دقت لازم را نیز بکنند که عوامل و ایادی بزرگ مالکان در آنها نفوذ نکنند، زیرا اگر چنین شود، بطور حتم از ثمر بخشی کارهای شورا کاسته خواهد شد. همچنین دهقانان و تمامی دست اندرکاران مومن و معتقد به انقلاب شکوهمند مردم ایران، باید به این نکته توجه کنند که به تصریح قانون اساسی، تعاونی‌ها رکن دوم اقتصاد هستند و نقش مهم و موثری در شکوفایی نظام جمهوری اسلامی ایران دارند. لذا نباید اجازه داد که عوامل و ایادی رژیم گذشته و بزرگ مالکان و شیوخ غلط اداری آن رژیم بر تعاونی‌ها تسلط پیدا کنند. باید با تقویت این تعاونیها در جهت حفظ منافع دهقانان و تأمین مصالح انقلاب و نیز تشکیل تعاونیهای تازه، اعم از تولیدی و مصرفی و غیره، خارطه تلخی را که دهقانان از تعاونیها در رژیم گذشته دارند، از ذهن آنان پاک کرد.

از جمله اقداماتی که باید در خصوص تعاونی‌های موجود صورت گیرد، تصفیه قطعی تعاونی‌ها، اخراج مدیران ضدانقلابی و گردانندگان ساواکی، نظارت شوراها مردمی و نهادهای انقلابی و دولتی بر آنها و تشویق دهقانان به شرکت فعال در آنهاست. یادآوری می‌کنیم که فقط در منطقه ایذه ۱۹ شرکت تعاونی دیگر با ۲۳۷ عضو وجود دارد.



فتودال! یادش بخیر! شبهای دوره شاه چه هلالی داشت!

عکسی که می‌بینید کتابخانه نیمه‌ساخته روستای بدرهای، واقع در اسلام آباد غرب، رانشان می‌دهد که توسط شورای ده، با کمک جوانان فعال این روستا، احداث شده، ولی متأسفانه بر اثر نبودن امکانات کافی نیمه تمام مانده است. شورای ده بدرهای، بلافاصله بعد از انقلاب، در فروردین سال ۵۸، بهمت دهقانان تشکیل شد تاکنون فعالیتهای جالبی بسود روستائیان کرده است. شورای ده پس از شروع جنگ فعالیت چشمگیری در جهت جمع آوری خوار بار و کمک به رزمندگان و تشکیل بیمارستان صحرایی پشت جبهه و جمع آوری پول و بالاخره اسکان آوارگان جنگی (بیش از ۵۰ خانوار) بعمل آورده است. فعالیت همجانبه و سودمند شورای دهروستای بدرهای در اسلام آباد غرب سرمشق خوبی برای سایر دهات است.



برخی از مشکلات عشایر خوزستان

شیر گوسفندان زیاد است، آنان را می‌دوشیم و پنیر و ماست درست می‌کنیم و می‌فروشیم. وی در مورد جنگ تحمیلی صدام به ایران انقلابی می‌گوید: "صدام جنگ را شروع کرد و مردم کشور ما را می‌کشد، اوتمی گذارد جنگ تمام شود. این دولت خیلی خوب است. با سرمایه‌داران می‌جنگد جلوی آنها را می‌گیرد. آزادی بیشتر

عشایر خوزستان با آن که از حداقل امکانات زندگی هم برخوردار نیستند و با وجود مشکلات فراوان، به انقلاب وفادارند و در راه تقویت آن شبانه روز تلاش می‌کنند. به منظور آشنایی با خواست‌ها و مشکلات آنان، با یکی از زحمتکشان ایل بنام مالک، در اطراف رامهرمز، بگفتگویی نشینیم. آقای مالک در اطراف روستا - ب رامهرمز، زندگی خود را با



است. اما گرانی پدر مردم را سوخت. دست به هر چیزی که می‌گذاری، قیمتش اینقدر زیاد است که نمی‌شود آن را خرید.

کوچ کردن می‌گذراند. وی دارای ۲۵۰ تا ۳۰۰ گوسفند است. مالک و زن و فرزندانش شب و روز همراه این گوسفندان هستند. آنها گاهی بمنظور رفع نیازهای خود چادر هم می‌بافند. مالک می‌گوید:

برای رفع نیاز کشور به گوشت و تقلیل و سپس حذف واردات گوشت باید به دامداری و از جمله دامداری سنتی توسط عشایر توجه جدی کرد. متأسفانه در این منطقه بیش از پیش عشایر دامدار گوسفند هارامی فروشند. بعثت کمبود مرتع و درآمد، شهرنشین می‌شوند. باید جدا و فورا "به مسائل حیاتی آنان توجه کرد.

"مسئولین برای درمان نمی‌آیند. ما خودمان هر وقت گوسفندی مریض شود، به اداره مراجعه می‌کنیم و دارو برای گوسفندان می‌گیریم. منبع درآمد من از فروش پشم و شیر و گوسفندان است. هر ساله موقع بهار پشم آنان را می‌بریم و حدود هالی هزار تومان می‌فروشیم و همچنین موقع بهار، که

بخش عمده از تن بیست میلیونی را دهقانان زحمتکش تشکیل میدهند. دهقانان! فورا به بسیج مستضعفین مراجعه کنید و دستورهای آنرا عملی سازید!

اتیوپی در راه تشکیل حزب مارکسیستی - لنینیستی

تشکیل دومین پلنوم کمیته مرکزی «کمیسیون سازماندهی حزب زحمتکشان اتیوپی»

بگفته منگستو هایلهماریام، صدر «کمیسیون سازماندهی حزب زحمتکشان اتیوپی» این نهاد در دومین پلنوم کمیته مرکزی خود بهترین خطوط استراتژی توسعه اتیوپی را برای دوران آتی تدوین کرد.

اتیوپی در سالهای اخیر به پیروزیهای چشمگیری دست یافته است. هدفهای «کارزار تحول ملی - انقلابی» بطور کلی تحقق پیدا کرده است. در سال گذشته، تولید نازیره در صنعت ۳۳ درصد افزایش یافت. درصده تولید نازیره در کشاورزی نیز به همین اندازه بود. در این مدت سهم بخشهای دولتی و تعاونی در کشاورزی بسیار توسعه پذیرفت. در بازرگانی خارجی بخش دولتی ۶۵ درصد صادرات و ۷۷ درصد واردات را زیر نظارت خود دارد. موفقیت‌های نامبرده، پایه استواری را برای پیروزی اقتصادی پویا و مستقل تشکیل میدهد.

از سوی دیگر، منگستوهایلهماریام به برخی از کمبودهای اقتصادی نیز اشاره کرد. برای نمونه: سطح تولید شاخه‌های خواربار و کالاهای مصرفی هنوز نازل است؛ آهنک رشد تولید صنعتی رضایت بخش نیست؛ کسری موازنه پرداختها افزایش یافته است؛ در گستره توزیع هنوز تنگناهایی وجود دارد.

از اینرو، به تصمیم کمیته مرکزی «کمیسیون سازماندهی حزب زحمتکشان اتیوپی»، بخش صنعت باید رفته رفته بگونه‌ای توسعه یابد که هرچه بیشتر پاسخگوی شرایط موجود و نیازمندیهای فزاینده زحمتکشان باشد. دیگر هدفهای عمده اقتصادی اتیوپی عبارتست از: گسترش و تقویت تعاونیهای تولیدی دهقانی، توسعه پایه انرژی (بویژه بهره برداری بهتر از منابع بیدروانرژی و ژئوترمیک) و استفاده بیشتر از گنجینه‌های زیرزمینی اتیوپی.

در تصمیمات کمیته مرکزی «کمیسیون سازماندهی حزب زحمتکشان اتیوپی»، ادامه سریع تدابیر اجتماعی - سیاسی، بویژه در گستره‌های بهداشتی، آموزش و پرورش و کارایی از اولویت خاص برخوردار بود.

در نظر است که دو سازمان طبقاتی کارگران (AETU) و دهقانان (AEP) با ابتکارات و فعالیت‌های بیشتری از کوشش‌های انقلابی حاکمیت دولتی پشتیبانی کنند. قرار است که سازمان نخست‌جنش سابقه‌تولیدی را در سراسر کشور آغاز نهد و سازمان دوم برنامه عملی برای بسج دهقانان (که هشتاد درصد سکنه اتیوپی را تشکیل میدهند) بمنظور تسریع پیشرفت در روستاها و افزایش تولید خواربار را تدوین کند. بعلت وخامت اوضاع بین‌المللی، فزون‌تر توسعه اقتصادی و اجتماعی به آمادگی دفاعی اتیوپی انقلابی

نورالدین کیانوری:

ما وظیفه انقلابی خود میدانیم که، برای پاسداری از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، از توطئه‌های امپریالیسم، ارتجاع و نوکران آنها پرده برداریم

از جلسه «پرسش و پاسخ» ۱۷ اردیبهشت ۶۰

سلاح از طرف آمریکا به پاکستان مغایرت دارد. از سوی دیگر این معامله برای تحویل سلاح از طرف آمریکا به دستجات آمریکازده شورشیان افغانی به منظور کشتن آن‌ها در نقشه‌های آمریکا علیه انقلاب ایران مورد استفاده قرار گیرد.

این خبر، همان‌طور که گفتیم در تاریخ ۲۳ اسفند داده شد. اما همان‌طور که می‌دانید همین یکی دو هفته پیش بود، که گوشه‌هایی از این مسئله در پیوند با سفر آقا شاهی به آمریکا و عقد قرارداد اسلحه میان دو کشور روشن شد.

خبر دیگری که در همین نامه دادیم این بود که: ژنرال آمریکایی به نام لایکسن با ما موریت ویزهای در پاکستان اقامت دارد. وی در روزهای آخر بهمن ماه جاری بارهبران مذهب سنی در پاکستان ملاقات کرده است. آن‌چه که تاکنون اطلاع پیدا شده، حاکی از آن است که این دیدار که در هتل اینترکنتیننتال در پشاور انجام گرفته است در جهت تشکیل یک جبهه جدید علیه انقلاب ایران، زیر پرچم اهل سنت علیه شیعه‌گری بوده است. آمریکا می‌کوشد محافل اهل سنت را در پاکستان و افغانستان علیه انقلاب اسلامی ایران تجهیز کند. ژنرال لایکسن نتایج دیدار و موافقت‌های حاصل شده را به اطلاع هامل سفیر آمریکا در اسلام‌آباد، که در راس شبکه خرابکاری آمریکا در منطقه قرار گرفته، رسانده است و هامل بلافاصله برای مشورت و تصمیم‌گیری نهایی به واشنگتن احضار شده است.

خوب این خبر را ما ۲۳ اسفند دادیم، ولی همین چند وقت پیش

س: آقای بنی‌صدر، رئیس جمهور، در «کارنامه» ۸ اردیبهشت ۶۰ خود در «انقلاب اسلامی» نوشته بود:

«من یکبار دیگر به گردانندگان این حزب (توده ایران) اخطار می‌کنم دست از این روش‌های تخریبی و ضد اخلاقی، ماکیاوولی و استالینی بردارند و به این‌گونه خبرسازیهایی مبتذل دست نزنند.»

با آن‌که در شماره ۴۹۹ «نامه مردم» (۹ اردیبهشت ۶۰) توضیحی در این باره چاپ شده بود، لطفاً نظرات را درباره این مطالب زنده‌مشروح‌تر بیان کنید.

ج: همان‌طور که در شماره ۴۹۹ «نامه مردم» نوشتیم، حزب توده ایران در آخرین روزهای سال گذشته خبری درباره مراجعه دکتر تقی‌زاده به سفارت عراق در لندن و مذاکرات مفصل او با مقامات عراقی دریافت کرد. حزب توده ایران بنا به مسئولیت و وظیفه انقلابی خود این خبر را به هیچ‌اظهار نظر و تفسیر اضافی در اختیار مقامات مسئول کشور قرار داد.

متأسفانه، آقای بنی‌صدر پس از وقفه‌ای نسبتاً طولانی، در مطلبی بر از هتاکی و افترا، در این باره واکنش کرد.

وی از جمله نوشت: «در این فاصله گفتند دستگاه خبرسازی حزب توده (ایران) خبری ساخته و پراکنده که من به آقای دکتر تقی‌زاده ما موریت داده‌ام...» پشت آن‌هم، آقای رئیس‌جمهور مقدار زیادی فحش‌نثار ما کرد. ما درباره اصل مطلب در شماره‌های ۴۹۹ و ۵۰۵ «نامه مردم» به تفصیل صحبت کردیم. در این جا می‌خواهم فقط به ذکر چند مطلب اصولی بپردازم.

خبری که، ذکر آن رفت، یکی از صدها خبریست که ما از آغاز فعالیت علنی حزب توده ایران درباره خرابکاری‌ها و توطئه‌های ضدانقلاب به مقامات حاکمیت ایران داده‌ایم و به هیچ‌وجه «خبرسازی» نیست. ما هر خبری را که بتواند گوشه‌ای از این دسیسه‌ها را روشن کند و از طرف دوستانمان در ایران، هواداران حزب در خارج و یادوستان خارجی انقلاب ایران، یعنی نیروهای ضد امپریالیستی و مترقی کشورهای دیگر، به دستمان برسد، بلافاصله منظم به مقامات مسئول می‌رسانیم.

در این مورد باید دو نکته را یادآور شوم. نخست آن‌که، به تصدیق گیرندگان این خبرها، بسیاری درست است، که خبری درست نباشد. تعداد این خبرها شاید به شماره انگشتان دست هم نرسد. دوم این‌که، در این جا هیچ‌گونه بازی سیاسی مطرح نیست و خبرها به مقامات مختلف فرستاده می‌شود. انگیزه ما از فرستادن این خبرها اینست که در حد امکان خود جمهوری اسلامی ایران را از همه ترفندها، توطئه‌ها و خرابکاری‌های امپریالیسم و ارتجاع خارجی و داخلی مصون نگه‌داریم.

همان‌طور که قبلاً گفتیم ما خبر آقای تقی‌زاده را بدون هیچ‌اظهار نظر و تفسیر اضافی فرستادیم. علاوه بر این در یادداشت خود تأکید کردیم که «از محتوای مذاکرات خبری رسیده است.» در آن موقع اصلانی دانستیم که آقای تقی‌زاده جزو مشاورین آقای بنی‌صدر است.

حالا نمی‌دانیم که این عکس‌العمل نامتعارف محصول اطلاعات غلطی است که به آقای رئیس‌جمهور داده شده است یا آن‌که نتیجه سوءاستنباط خود آقای بنی‌صدر است؟

البته چند روز بعد در مقاله فحش‌آمیز دیگری که دوباره در این باره در «انقلاب اسلامی» چاپ شد، نویسنده‌ها را خیلی ناشی به حساب آورد. نویسنده از ما می‌پرسد که مگر خبرگیران ما همیشه جلوی در سفارت عراق در لندن ایستاده‌اند که ملتفت چنین چیزهایی شده‌اند؟ همان‌طور که گفتیم گویا نویسنده ناشی خیال می‌کند ما بلافاصله خواهیم گفت نه و منبع خبر را لو خواهیم داد. متأسفانه چند بار در گذشته صداقت ما سوءاستفاده‌هایی شد و امکانات ما در این باره مورد تهدید قرار گرفت.

اما الان، برای نمونه، درباره یکی دو خبر گفتمانی به دست ما رسیده بود و آن‌ها را به موقع خود، در اختیار مقامات گذاشتیم و بعد هم صحت آن‌ها به‌شور رسید، چند کلمه می‌خواهم صحبت بکنم.

مثلاً روز شنبه ۲۳ اسفند خبری فرستادیم (از گیرنده نام نمی‌برم) که مضمون آن تقریباً چنین بود: دوستان آمریکایی ما دو خبر موقتی برای ما فرستاده‌اند. در روزهای نخستین اسفندماه جاری مذاکراتی میان آمریکا و پاکستان در زمینه تحویل سلاح‌های مدرن، منجمله هواپیماهای جنگی و انواع موشک‌های هوا به هوا و به ویژه موشک‌های زمین به هوای (زدی) انجام گرفته است. به نقل از اطرافیان معاون رئیس ستاد نیروی زمینی آمریکا، و نماینده وزارت امور خارجه آمریکا، به نام «روبرت پک» گفته شده است که طرف آمریکایی هم اکنون شرایط این واگذاری را در اختیار دولت پاکستان قرار داده است. طبق این شرایط، بخشی از این جنگ‌افزارها به عنوان کمک نظامی بلاعوض به پاکستان تحویل خواهد شد. این داد و ستد در شرایط کاملاً مخفیانه عملی می‌شود، زیرا از یک‌سوی این جریان با قانون تحریم تحویل

* تجربه نشان داده است که تقریباً همه اطلاعات ما درباره ضدانقلاب درست و دقیق بوده است.

* ما حاضریم، چنانکه مقامات مسئول صلاح بدانند، همه اطلاعاتی را، که درباره فعالیت ضدانقلاب به حاکمیت انقلابی رسانده‌ایم، برای قضاوت در اختیار افکار عمومی قرار دهیم.

بود که توطئه ایجاد یک جنگ سنی و شیعه در ایران، از طرف امام خمینی صریحاً مطرح شد.

علاوه بر این، در روز ۱۲ فروردین ۶۰ در منزل مولوی نظر محمد به مدت دو روز از هشت صبح تا دو بعدازظهر، به دعوت آقای مفتی‌زاده، از رهبران اهالی سنت در کردستان و بیلوچستان، چنین جریانی برای ایجاد یک مرکز تسنن در ایران تشکیل شده است. این هم تنها گوشه‌ای از اخبار دقیقی است، که ما با ذکر نام و مشخصات دیگر به‌موقع خود گرفتیم و به مقامات مسئول دادیم.

باید بگویم، که امکانات ما در این باره فوق‌العاده محدود است. نه دستگاه اطلاعاتی داریم و نه امکان تعقیب اطلاعات را. ما خبرهایی را که می‌شنویم و به صحت آن‌ها اطمینان داریم در اختیار مقامات می‌گذاریم. این دیگر وظیفه مقامات است که دنبال قضیه را بگیرند.

نظایر این اطلاعات خیلی دقیق‌تر ما درباره «طیس» و «نوژه» هم داشتیم و در اختیار خود آقای رئیس‌جمهور گذاشتیم - واقعیتی که آقای بنی‌صدر در مصاحبه‌ای با «لوموند» به آن اذعان کرد.

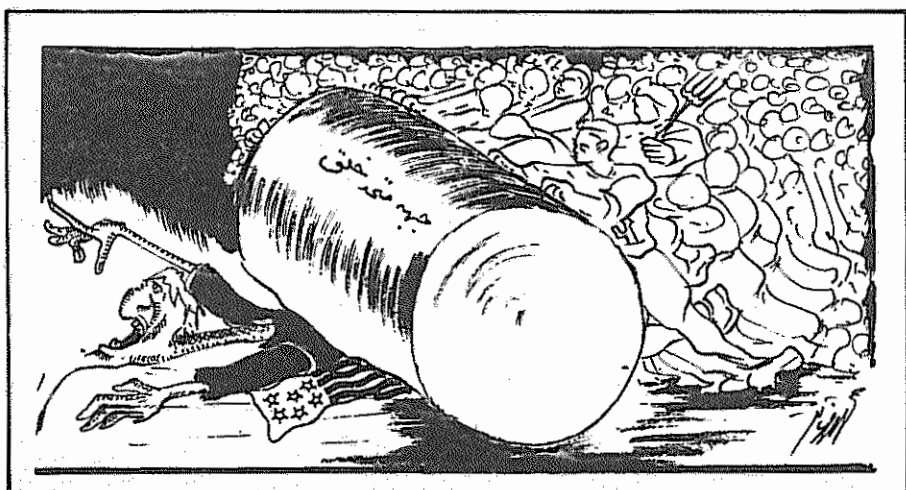
ما زیادت دادن اطلاعات از فعالیت‌های ضدانقلاب به مقامات حاکمیت کشور، هیچ‌گونه توقع بی‌جایی نداریم و آن را چیزی خارق‌العاده هم نمی‌دانیم. ما این را به عنوان وظیفه خود در پشتیبانی از انقلاب ایران تلقی می‌کنیم. هر فرد و نیروی انقلابی دیگری هم، چنین وظیفه‌ای دارد.

اما درباره برخورد آقای بنی‌صدر با این مسئله باید بگویم که متأسفانه او، مانند گذشته، در این مورد نیز برخورد سالم و سازنده‌ای با ما نداشته است. بنابراین مجبوریم هر اتهاماتی را که آقای بنی‌صدر در این زمینه ما نسبت داده است، به آدرس فرستنده برگردانیم. امیدواریم که برخورد آقای رئیس‌جمهور در آینده در زمینه مسائل مشابه مشخص‌تر، سازنده‌تر و دقیق‌تر باشد.

اگر مقامات مسئول، که این اطلاعات را از ما گرفته‌اند، صلاح بدانند، ما حاضریم همه این اطلاعات را به شکل مناظره افکار عمومی قرار دهیم. در آن صورت مردم خواهند دید که این‌ها در موضع ضعیفی قرار دارند.

ادامه دارد

نیز توجه شایسته مبذول خواهد شد. کمیته مرکزی، جوانان اتیوپی را فراخواند تا، یا بیای شرکت در کارزار سازندگی، پیوسته آمادگی خود را برای دفاع از مین نیز حفظ کنند. در نظر است، که در کنار ارتش منظم، سیستم دفاع غیر نظامی نیز پایه‌گذاری شود، که هم از نظر نظامی و هم در مقابل با فاجعه‌های طبیعی، از آن استفاده بعمل آید. در زمینه ایدئولوژیک، «کمیسیون سازماندهی حزب زحمتکشان اتیوپی» کوشش‌های خود را برای آگاه ساختن زحمتکشان از جهان‌بینی سوسیالیسم علمی گسترش خواهد داد. از سوی دیگر، روند تشکیل حزب پیشاهنگ مارکسیستی-لنینیستی شتاب خواهد یافت. بموجب گزارش کمیته مرکزی «کمیسیون سازماندهی حزب زحمتکشان اتیوپی»، اتیوپی انقلابی سیاست همزیستی-مسالمت‌آمیز و انترناسیونالیسم پرولتری را بیکباره دنبال خواهد کرد. پلنوم کمیته مرکزی تصمیم گرفت همکاری و همبستگی خود را با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی و خلق‌هایی، که در راه استقلال و رهایی ملی - اجتماعی می‌زنند، توسعه دهد.



هر گز برای...

بقیه از صفحه ۱

بدنبال این جنایت، اعلامیه هائی در محکومیت این عمل از سوی استانداری، ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی، سپاه پاسداران انقلاب و امام جمعه زاهدان انتشار یافت.

در اعلامیه استاندار سیستان و بلوچستان، با تأکید بر اینکه این جنایت بدست «اشرار و ایادی خواین مزبور» انجام شده، از جمله آمده است:

فصلیات تقییبی باید با قاطعیت هر چه بیشتر برای ریشه کن کردن این جسر تومهای فساد همچنان ادامه یابد.

در اطلاعیه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی استان سیستان و بلوچستان نیز از جمله آمده است:

فسادات این برادران، که هم فارس و هم بلوچ، هم شیعه و هم سنی در بین آنها بودند، بار دیگر ثابت کرد که شیعه و سنی در یک سنگر با استکبار جهانی و خواین و مزدوران داخلی آنها می‌جنگند...

اعلام عزای عمومی در استان

بدنبال این جنایت هولناک، روز ۲۹ اردیبهشت ۶۰، از سوی نهادهای مختلف استان، اعلام عزای عمومی شد. صبح آن روز از مردم زاهدان از صبح این روز در مراسم تشییع جنازه شهدا شرکت کردند و شش به حالت تعطیل درآمد. پس از تشییع جنازه، مردم در محل هنگ ژاندارمری زاهدان اجتماع کردند. در این اجتماع یکی از افراد ژاندارمری، طی سخنانی، این جنایت را شدیداً محکوم کرد و سخنان خود را با شعار «هرگز بر این خواین جنایت‌پیشه» به پایان رساند.

حاکم شرع دادگاه انقلاب این شهر نیز طی سخنانی این جنایت را محکوم کرد.

در پایان این مراسم، قلعنامه‌ای از سوی ستاد بزرگداشت شهدا قرائت شد. در قسمتی از این قلعنامه آمده است:

ما ضمن ابراز تفر از خواین وابسته و مزدوری که بر علیه جمهوری اسلامی ایستاده‌اند، جنایات آنان را، که در حرم مردم سیستان و بلوچستان انجام داده‌اند، از جمله درگیری اخیر آنها با برادران ژاندارم را، که در تقییب قائلین برادر شهید مولوی فیض محمد حسین بر بوده، محکوم می‌کنیم.

در قسمت دیگری از قلعنامه به «اشرار و خواین» هشدار داده شده است که: «آما دامیم هر زمان که لازم باشد، کارگاه و مزعه و مدرسه و اداره و خانه را رها کرده و در سنگرهای دفاع از انقلاب به مبارزه بسا اشرار و خواین بپردازیم».

در این قلعنامه همچنین از مسئولین استان خواسته شده است: «با اطمینان به پشتیبانی توده‌های مستضعف منطقه با بسیج کلیه امکانات این جسر تومهای فساد را سرکوب و ریشه کن نمایند».

ما نیز بار دیگر، ضمن محکوم کردن این اعمال جنایتکارانه، هشدار می‌دهیم که این حوادث نشانه‌دهنده گسترش بیش از پیش فعالیت فسادانگاران در منطقه سیستان و بلوچستان است. مسئولان کشور و بخصوص استان سیستان و بلوچستان باید همچنان که در قلعنامه مردم زاهدان تأکید شده است با قاطعیت به مقابله با فساد انقلاب بپردازند. تنها در این صورت است که توطئه‌های امپریالیسم آمریکا و پاکستان برای تبدیل این استان به مرکز دیگری برای اجرای توطئه‌های براندازی، یا شکست مواجه می‌شود.

نظری به حوادث بین‌المللی در هفته‌ای که گذشت

سیاست امپریالیسم - سیاست تکیه بزور

چنین نقشی است. ساداتهای دیگر نیز، در سایر کشورها، چنین ادعائی دارند، از جمله ضیاعالحق! پاکستان - جانشین ایران شاهنشاهی

ضیاعالحق، دیکتاتور پاکستان، همان نقش خیانت‌بار سادات را در اینطرف منطقه بعهده گرفته است. بدنبال توافقی که در سفر آقا شاه، وزیر امور خارجه پاکستان، به واشنگتن حاصل شد، حکومت ضیاعالحق پذیرفت که در برابر دریافت کمک نظامی (۲۰ میلیارد دلاری) از آمریکا، چند پایگاه دریایی و هوایی، از جمله یک پایگاه هوایی در حومه پشاور (نزدیک پرمز افغانستان) در اختیار آمریکا قرار دهد. در هفته گذشته کمیسیون خارجه سنای آمریکا بازپرساگذاشتن «قانون» منع کمک به کشورهای که برای ساختن سلاح‌های تدارک می‌بینند (پاکستان مشمول این قانون شده بود) برنامه کمک نظامی به پاکستان را تصویب کرد.

واضح است که آمریکا به پاکستان و مصر کمک نظامی و سلاح نمیدهد که از آن برای حمله به اسرائیل استفاده کنند.

با اینهمه هم سادات و هم ضیاعالحق این پیشروی را داشته‌اند که گفته‌اند اگر اسرائیل به سوریه حمله کند ما از سوریه دفاع خواهیم کرد! از همه خنده‌دارتر اعلیحضرتان سعودی هستند که نه تنها بی‌دربری در دفاع از دولت عرب، بلکه از «دین خنیف اسلام» نیز اعلامیه صادر میکنند و در عین حال بکار خودشان در تقویت مالی و اقتصادی صیویسیم و امپریالیسم ادامه میدهند.

پیوندهای مالی و اقتصادی ملوک سعودی با امپریالیسم

تنها سود سرمایه‌های مالی ملوک سعودی در بانکهای آمریکا و اروپا از میلیاردها دلار تجاوز میکند. در آمیختگی سرمایه انحصاری امپریالیستی و سرمایه‌های مالی ملوک سعودی زمینه‌منافع مشترکشان در سیاست بین‌المللی است. مثلاً ۴۰٪ ارزش ناوگان نفتکش شرکت معروف «موبیل اویل» متعلق به ملوک سعودی است. در عربستان سعودی دهها بانک، شرکت بیمه، موسسه بازرگانی و غیره با سرمایه مشترک ملوک سعودی و انحصارات بزرگ امپریالیستی به فعالیت مشغولند. دور نرویم. در عربستان سعودی همان وضع ایران شاهنشاهی به مقیاسی چند برابر بزرگتر (درآمد نفتی فوق‌العاده بیشتر و هزینه‌های داخلی بسیار کمتر) حکم فرم است. آیا شاهنشاهی ایران، حاضر بود یک گام بسود اعراب برسد اسرائیل برادره و آیا ملوک عربستان سعودی، که جزئی از انحصارات آمریکائی شده‌اند، آماده‌اند به پشتیبانی از سوریه با سیاست زورگویی اسرائیل مقابله کنند؟ البته خیر! اما با وجود این سادات و ضیاعالحق و ملک خالد از سوریه «اعلام» پشتیبانی کرده‌اند و این نشانه آنست که فشار انقلابی مردم بر زمامداران خود فروخته تا چه اندازه نیرومند است.

باید گفت که در واقع تمام کمکهای آمریکا به اسرائیل و سایر دست‌نشاندها گانش در منطقه،

را در منطقه، که بدست عمل صیویستیس پیاده میشد، تأیید کنند و ناچار اعلامیه‌های صادر کردند و به پشتیبانی از سوریه تظاهر کردند. حتی صدام نیز گفت که علیرغم مخالفتش با موضع سوریه، اگر این کشور مورد تهاجم اسرائیل قرار گیرد، از آن پشتیبانی خواهد کرد! اما این گفته‌ها هرگز جامه عمل نپوشیده است و هیچیک از کشورهای مرتجع منطقه حاضر نیستند عملاً با اسرائیل، دستیار امپریالیسم آمریکا، پنجه‌بفکنند. رشته‌های وابستگی در عربستان سعودی، پاکستان، اردن، مصر و غیره محکمتر از آنست که بتوانند با سیاست زورگویی امپریالیسم رویاروی کنند. عربستان سعودی با هزاران رشته به آمریکا وابسته است و تا شاهان سعودی بر سر کارند، هرگز نمی‌تواند سیاست مستقلی در قبال اسرائیل در پیش گیرد. ملک حسین در دست آمریکاییا عروسکی بیش نیست. مصر در آنطرف منطقه و پاکستان در اینطرف، در اثر خیانت رهبران خود فروخته، بصورت کشورهای نومستعمره درمی‌آیند.

خیانت تازه سادات به اعراب

در هفته گذشته یک هیئت عالی‌رتبه آمریکائی برای تحکیم روابط وابستگی مصر بن امپریالیسم به آن کشور وارد شد. سفر این هیئت در آستانه تشدید بحران لبنان خودبخود گویاست. بدنبال مذاکراتی که بین ایسن هیئت و زمامداران مصر انجام گرفت، برنامه پنجساله نوسازی ارتش مصر و پایگاههای دریایی و هوایی آن، بنحوی که بتواند مبداء عملیات نظامی آینده ارتش آمریکا قرار گیرد، مورد توافق قرار گرفت. دولت آمریکا متعهد شد که در تحویل کمک ۳۰۰ میلیارد دلاری خود به مصر تمهید کند. در همین مذاکرات، مصر «موافقت» کرد که نیروهای مسلح آمریکائی به جای ارتش اسرائیل (پس از عقب‌نشینی آن طبق قرارداد کمپ‌دیوید، در سال ۱۹۸۲) در صحرائ سینا مستقر گردند.

از سوی دیگر یک «کمیته دولتی» پس از بررسی حوادث لبنان، موضوع «دولت مصر را بشرح زیر اعلام داشت:

- مصر از سوریه دعوت میکند که کلیه نیروهای خود را (نه تنها موشک‌های سام-۶ را، که اسرائیل میخواهد) از لبنان خارج کند.
- مصر از اسرائیل دعوت میکند که پس از خروج کلیه نیروهای سوری از لبنان، به حملات نظامی خود بر لبنان خاتمه دهد.
- اگر لبنان قادر به تشکیل یک نیروی نظامی برای حفظ امنیت کشور نیست، یک نیروی بین-المللی خوری این وظیفه را بعهده بگیرد.
- آیا اسرائیلیها و حامیان امپریالیستی آنان جز این چه می‌خواهند؟

سادات، بدنبال خیانت کمپ‌دیوید، گامهای تازه‌ای در جهت سیاست امپریالیستی سرکوب جنبشهای آزادیخواهانه و استقلال‌طلبانه خلقهای عرب بر میدارند. آیا ممکن است دوست آمریکا بود و از استقلال و آزادی خلقها دفاع کرده سادات مدعی

منطقه خاورمیانه و نزدیک پس از انقلاب افغانستان و ایران، که دو پایگاه نوین انقلابی در منطقه بوجود آوردند، به مهترین صحنه توطئه‌های امپریالیستی تبدیل شده است. هر چند بین اجزای مختلف این توطئه‌ها، مثلاً حمله «مبارزان مسلمان» بر روستاهای افغانستان و حمله هواپیماهای اسرائیلی بر مسلمانان لبنان، ممکن است در ظاهر ارتباط آشکاری چشم نخورد، ولی با تجزیه و تحلیل دقیق حوادث میتوان پیوند درونی تمام آنها را کشف کرد.

نبرد بین انقلاب و فسادانقلاب در منطقه، که جزئی از این نبرد جهانی است، پس از انقلاب افغانستان و بویژه ایران شدت یافته است. امپریالیسم و رژیم‌های مرتجع وابسته به آن در منطقه (اسرائیل، مصر، عربستان سعودی، پاکستان، اردن و غیره) تصمیم گرفته‌اند که برای نجات کشتی شکسته خود از میان امواج طوفانی انقلابی که در افق نمایان است، تدابیر جدی‌تری اتخاذ کنند. که سیاست تکیه به زور مهترین عنصر است. امپریالیستها خودشان مسلح میشوند، حضور نظامی خود در منطقه را گسترش میدهند و رژیم‌های وابسته به خود را مسلح میکنند، تا چهره منطقه را بسود خود تغییر دهند، بدیگری سخن، رژیم‌های انقلابی و مترقی راسکوب کنند و بجای آنان رژیم‌های وابسته یا باسلاح خودشان حکومت‌های «معتدل و میانه‌رو» را روی کار بیاورند. این نقش را اسرائیل در یک گوشه از منطقه، عراق در گوشه دیگری و پاکستان و عربستان سعودی در گوشه سوم بعهده گرفته‌اند. حوادث چند هفته اخیر در لبنان را باید از این زاویه دید مورد تحلیل قرار داد.

لبنان میدان آزمایش سیاست روز

پس از سفر هیگ به خاورمیانه، حکومت اسرائیل بدنبال تصمیماتی که از سوی آمریکا در مورد پشتیبانی و تحویل سلاح و کمک مالی به آن داده شده بود، حملات تحریک‌آمیز خود را بر نیروهای سوری، که بر حسب توافق دولتهای عرب و خود لبنان در این کشور اقامت دارند، گسترش دادند و دو هلیکوپتر سوری را در خاک لبنان سرنگون کردند. دولت سوریه در پاسخ به این اقدام راهزانه تصمیم گرفت که چند آنتناباز از موشک‌های معروف سام - ۶ را، که در جنگ ۱۹۷۳ هواپیماهای اسرائیلی را درو کرده بودند، به لبنان بفرستد. اقدام سوریه، که یک اقدام دفاعی در داخل خاک لبنان بود، با اولتیماتوم اسرائیل روبرو شد که اگر سوریه موشکها را تخلیه نکند، اسرائیل مواضع آنتنابازها را بمباران خواهد کرد. اسرائیل بدنبال این اولتیماتوم نیروهای خود را در مرز لبنان متمرکز کرد. رهبران اسرائیل از وقوع یک جنگ تازه با سوریه سخن گفتند. آمریکا نماینده خود (فیلیپ حبیب) را به منطقه فرستاد، تا سوریه را زیر فشار قرار دهد. سیاست شانتاژ و اعراب همچنین از طریق اعزام ناهای هواپیماهای آمریکائی دروازه موشک‌انداز و «فرود ناو سرباز بری» مدیترانه شرقی و سواحل لبنان ادامه یافت. ناوگان مدیترانه آمریکا به ۳۰ ناو جنگی افزایش یافت. فیلیپ حبیب سوریه را تهدید کرد که «برای رفع بحران از راه صلح وقت کمی در اختیار دارد»!

ولی جنگ روانی با سوریه نتایج دلخواه را ببار نیاورد. سوریه به کمک دوستانش در برابر سیاست زور ایستادگی کرد. خطر تجاوز به سوریه از سوی اسرائیل موجهی از غضب و نفرت در میان خلقهای منطقه برانگیخت، تاجایی که حکومت‌های وابسته به امپریالیسم در منطقه (پاکستان، عربستان سعودی، اردن، مصر) نیز نتوانستند سیاست آمریکا

به تشنج در پالایشگاه...

انحلال بازرسی کل صنعت نفت فارس، حاکمیت شوراهای در اعمال کلیه مسائل و قانونی شدن آن، ایجاد تعاونی در سطح امکانات بقیه تعاونی‌ها و مستقل، تجدیدنظر در امور پاکسازی ژیرنر شوراهای آزادی‌نماینده کارکنان مناطق جنگ‌زده در تهران و شیراز، تعدیل حقوق کارکنان برینبانی تورم، ایجاد واحدهای مسکونی برای کارکنان بدون مسکن، افزایش مرخصی سالیانه (حد اقل یکماه در سال)، ناگفته پیداست که خواستهای فوق، دست کم تا آنجا که به حدود اختیارات و وظایف شوراهای مربوط می‌شود، به صورتی که در قلعنامه آمده، نمی‌تواند قانونی شمرده شود. جامعیت و مقبولیت همه خواست‌ها مورد تردید است و اصرار عناصر معینی در طرح این مواد، از نوعی مسالماندگی و ماجراجویی، اگر نگوئیم تلاش حساب‌شده برای تشنج آفرینی و خرابکاری، خبر نمی‌دهد.

مواد دیگر قطع‌نامه، که پاره‌های خواست‌های صنفی، نظیر افزایش مرخصی سالیانه، تعدیل حقوق و ایجاد واحدهای مسکونی و تعاونی را در بر می‌گیرد، ظاهراً بعد و برد سیاسی در جهت سوءاستفاده جریان‌های خاص ندارد. ولی اگر شرایط عمومی مبین و تنگناهای موجود در نظر آوری، دست کم بلندپروازانه است، هر چند وقتی مهلت دهم‌روزه بی‌گیری این خواست‌ها و پس از آن اتخاذ «تصمیم مقتضی»، در صورت عدم موفقیت در نیل به آنها را، که در قلعنامه آمده است، در کنار حجم این مطالبات و شرایط تأمین آنها بگذاریم، جریان کار روشن‌تر می‌شود و تلاش عمدی برای تشنج آفرینی و زمینه‌سازی برای اغصاب از خلال آن آشکارا چشم می‌خورد. راست است که حضور مدیران لیبرال در وزارت نفت، که بسیاری

از آنان همان مدیران دوران «طافوت» هستند، در طرح این خواست‌ها، موثر واقع شده است، بگونه‌ای که تعدیل حقوقی بالا انجام نشد، حقوق کارکنانی که دستمزد کمتری می‌گرفته‌اند، در چند نوبت کاهش یافته و سدا لیه، علیرغم شرایط تورم‌زا و گرانی کمرشکن، افزایش نیافته، و پاکسازی‌ها، نه از مجرای انقلابی خود، بلکه با ضوابط نادرستی عملی شده است. اما این زمینه‌سازی تسلیم‌طلبان و سازشکاران غیرانقلابی و غیرمسئول تنها برشالوده کج‌روی‌های منحرفین فاقد اصول و توطئه‌گری‌های چپ‌نما و مائوئیست‌های آمریکائی از یک سو و تنگ‌نظری انحصارطلبان افرافی راست‌گرا از سوی دیگر می‌تواند موثر واقع شود. بنابراین بی‌توجهی عموم مسئولین به چنین فضای خطرناک و ناسالم بی‌تردید موجد لیبرال‌منشی از یک طرف و قترری‌گری - بویژه در محدوده مربوط به پاکسازی - از طرف دیگر است.

بسیار گفته‌اند و از زبان مسئولین طراز اول جمهوری اسلامی ایران تکرار شده که پاکسازی‌ها نباید انگیزه عقیدتی بخود گیرد و بصرف داشتن یک تفکر ویژه، کسی مورد مواخذه قرار نمی‌گیرد، از محل کار اخراج نمی‌شود و «پرونده‌سازی» در این عرصه جایز نیست. این جاست که نادیده گرفتن چنین ضوابط درست‌و خودگامگمی‌ها، به منرفین مشروعیت کاذب می‌بخشد. اگر این چنین فضای وجود نمی‌داشت، خواست‌های حقه کارکنان، دست کم در محدوده‌ای که امکان تحقق داشت، دست‌آویز فتنه‌انگیزی‌ها و جوسازی‌های منخرفین نمی‌شد، تا از آن‌ها چماق بسازند و فضای مسمومی بوجود آورند، و در این میان سالم‌سازی آن مستلزم هزار تلاش اضافی باشد، و در این میان زیان‌های جدی بریک انقلاب وارد آید.

متأسفانه شرایط موجود به «دمعیان» میدان داده تا پالایشگاه را با «اتمام حجت» و «اولتیماتوم دادن» به لبه اغصاب بکشانند و در این میان، یازم متأسفانه، دوست و پنجاه رای برای اغصاب غذا از میان کارکنان بگیرند!

بجاست اگر یادآوری شود که محرومیت بخشی از کارکنان پالایشگاه شیراز به‌بجوجه کمتر از سایر زحمتکشان دیگر واحدها نیست. حال آنکه در بسیاری واحدها شرایط نظام و حسن‌نیت وجود دارد. نتیجه آن که، حضور فعال نیروهای انقلابی و هنیاری مسئولین متعهد در خنثی کردن جوسازی‌ها عامل نیرومندی است که متأسفانه، چنان‌که باید، در پالایشگاه شیراز چشم نمی‌خورد. این حلقه ضعیف را نباید نادیده گرفت، یا ناچیز شمرد.

بهر حال، در این لحظه، مسئولین صنعت نفت می‌توانند به هیات ویژه‌ای ماموریت دهند، تا پس از بررسی مسائل موجود در این واحد عظیم، راه حل مسائل را بیابد و با اقدامات همه‌جانبه و موثر از بروز فاجعه جلوگیری کند.

در این زمینه ناگزیر باید پذیرفت که اساس خواست‌های زحمتکشان پالایشگاه شیراز، از بهر برداری عناصر و جریانهایی معینی، قابل تفکیک است. این خواست‌ها در صورت تشخیص هر شی‌پیشینهادی، باید تأمین شویند و آنجا که، علیرغم درستی نفس مطالبات، امکان فراهم آوردن زمینه اجرای فوری آنها نیست، باید با کار توضیحی و افشاگرانه، نظر مساعد کارکنان انقلابی را جلب کرد.

به یاد داشته باشیم که اکثریت قاطع کارکنان در جبهه انقلاب قرار دارند و حاضر به قبول منطق انقلاب‌اند. آنها نه قادر، بلکه مایل به تحمل دشواریها هستند، به این شرط که رای آنها بحساب آید، نظر آن‌ها محترم شمرده شود و روح تقاهم در میان کارکنان و مسئولین، بر اساس حاکمیت ضوابط انقلابی، قوام یابد.

در این صورت باید پذیرفت که زمینه رفع تشنجات، بشرط اتخاذ تدابیر عاجل انقلابی، فراهم است. پس فرست را از دست ندهیم، از تجربه تلخ گذشته و سبل‌انکاری‌ها درس بگیریم و پرچم انقلاب را استوارتر در هر واحد تولیدی و اجتماعی برافرازیم.

سخن ما در زمینه وضع موجود در پالایشگاه شیراز ادامه خواهد داشت.



در آلمان فدرال، مخالفت با استقرار موشکهای هسته‌ای در اروپای غربی گسترش می‌یابد

هلموت اشمیت، صدراعظم آلمان غربی، روز ۳۰ اردیبهشت ۶۰ سفر خود را به ایالات متحده آمریکا آغاز کرد. یگزارش خبرگزاریها، مسئله استقرار موشکهای هسته‌ای آمریکا در اروپای غربی مقام مهمی در گفتگوهای او با ریگان خواهد داشت.

مخالفت با نقشه استقرار این موشکها در آلمان فدرال چنان گسترش یافته است که چند روز پیش هلموت اشمیت تهدید کرد که چنانچه حزب سوسیال دمکرات با این نقشه به مخالفت بپردازد، استعفا خواهد داد.

گزارش‌های رسیده از بن جاکو است که صدراعظم آلمان غربی در واشینگتن، همچنین درباره مسئله از سن گیری هر چه زودتر مذاکرات میان اتحاد شوروی و آمریکا درباره جنگ‌افزارهای هسته‌ای میان‌برد با ریگان به گفتگو خواهد پرداخت.

والدهایم از پیشنهاد اتحاد شوروی درباره تشکیل اجلاس ویژه شورای امنیت در سطح سران هواداری کرد

کورت والدهایم، دبیرکل سازمان ملل متحد، اهمیت پیشنهاد های تئودر برژنف را، در کنگره بیست و ششم حزب کمونیست اتحاد شوروی، درباره خلع سلاح و کاهش تشنجات بین‌المللی خاطر نشان ساخت.

کورت والدهایم، که روز سه‌شنبه ۲۹ اردیبهشت ۶۰ در کنفرانس مطبوعاتی در مقر سازمان ملل متحد سخن می‌گفت، بویژه به اهمیت فراخوانی اجلاس ویژه شورای امنیت، یا شرکت سران کشورها اشاره کرد.

گفته والدهایم: «پیشنهاد اتحاد شوروی درباره تشکیل یک اجلاس شورای امنیت در سطح سران باید مورد توجه شایسته کشورهای مربوطه و سازمان ملل قرار گیرد.»

احساسات ضدآمریکایی در ژاپن سبب شد که هیئت سفر خود را به توکیو لغو کند

الکساندر هیگ، وزیر خارجه ایالات متحده آمریکا، سفر خود را به ژاپن، که قرار بود در ماه آینده صورت‌پذیرد، بعلت تشدید احساسات ضدآمریکایی در ژاپن لغو کرد.

این گزارش از سوی خبرگزاری «یونایتد پرس اینترنشنال» به نقل از یکی از سخنگویان وزارت خارجه آمریکا، پخش شده است. یکی از دلایل این وضع، غرق شدن یک کشتی باربری ژاپن از سوی یک زیردریایی هسته‌ای آمریکا در ماه گذشته است. قرون براین، چند روز پیش، ری شائوئر، سفیر سابق آمریکا در توکیو، فاش ساخت که میان دو کشور یک قرارداد سری وجود دارد که، بموجب آن، کشتیهای اتمی آمریکا می‌توانند در بندرهای ژاپن لنگر بیندازند.

احزاب مخالف، دولت سوئوکی را به «دربیب» مردم ژاپن متهم ساخته‌اند. ژاپنها هر چه بیشتر به گسترش روابط نظامی میان آمریکا و ژاپن معترضند.

برژنف در پیام به کنفرانس بین‌المللی درباره مجازات آفریقای جنوبی:

اتحاد شوروی از جنبش‌های آزادیبخش پشتیبانی پیگیری خواهد کرد

بر پایه تصمیم سازمان ملل متحد، روز ۳۰ اردیبهشت ۶۰، کنفرانس بین‌المللی درباره مجازات آفریقای جنوبی در پاریس گشایش یافت.

تئودر برژنف در پیامی به این کنفرانس گفته است: «وقت آن فرا رسیده است تا به استعمار و نژادپرستی در جنوب قاره (آفریقا) پایان داده شود. جهانیان باید برای ادای وظیفه خود در برابر خلقهای مبارز آفریقا در این راه گام بردارند.»

رهبر شوروی «کسانی را که با مجازات رژیم آفریقای جنوبی مخالفت و با آن در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی و نظامی همکاری میکنند» به «همدستی با نژادپرستان» متهم ساخت.

در این پیام گفته می‌شود: «بر توریه» یا کمک از خارج به سیاست آپارتید و ترور جمعی ادامه میدهد، نامی را در اشغال غیرقانونی خود قرار میدهد و به تجاوز به کشورهای همسایه دست می‌زند.»

برژنف تأکید کرد: «اتحاد شوروی پیگیرانه به پشتیبانی از جنبش‌های آزادیبخش خواهد پرداخت و تصمیمات موثری برای ریشه کنی نژادپرستی و آپارتید اتخاذ خواهد کرد.»

اسرائیل به تدارکات خود برای حمله گسترده به لبنان ادامه میدهد

توپخانه اسرائیل و جدایی طلبان لبنان برای دومین روزی در پی بندر صیدا را زیر آتش گرفت. خبرگزاری تلفات زیادی را گزارش داده‌اند. اسرائیل، به تشویق «واشینگتن»، به تمرکز نیروهای خود در مناطق مرزی لبنان ادامه میدهد.

«تل‌آویو»، به بهانه استقرار موشکهای ضد هوایی سوریه در لبنان، تهاجمی گسترده را به این کشور تدارک می‌بیند.

نیروهای سوریه، که بخش بزرگ نیروهای پاسدار صلح عرب را تشکیل میدهند، برای

در جلسه علنی دیروز مجلس گفته شد:

باید طرح‌های انقلابی را هر چه زودتر پیاده کنیم

* زن بساید به عنوان یک انسان، بصورتی بسیار جدی وارد اجتماع شود

گرهائی، نماینده کرمان، طی سخنانی خواستار وحدت بین مسئولین کشور شد. سومین ناطق پیش از دستور، محمد هادی عیدخانی، نماینده مشهد، تأکید کرد که حوزه علمیه خراسان شیفته انقلاب است. وی در بخش دیگری گفت:

بعد از هر انقلابی باید فوراً طرحهای آن انقلاب پیاده شود والا بتدریج ضدانقلاب رخنه می‌کند... باید طرحهای انقلابی را هر چه زودتر پیاده کنیم و تنها سرگرم نبردهائی که دشمن برای ما می‌تراشد، نیابیم.

عیدخانی در بخش دیگری از سخنانش، با اشاره به اینکه امسال، علاوه بر سال اجرای قانون، سال «ایجاد قانون» نیز هست، از مجلس و دولت خواست که برای حل مشکلات اقتصادی و مشکل بیکاری و تورم... قوانینی تصویب و اجرا کنند. آخرین ناطق پیش از دستور، طیبی، نماینده اسفراين، بود. وی در ابتدای سخنش گفت:

«ما نمی‌دانیم چرا هر وقت صدای امریکا و اسرائیل و انگلستان و بغداد بلند می‌شود و حمله‌های انقلابی می‌نمایند، می‌بینیم بعضی دست‌اندرکاران مملکت، نهادهای انقلابی را می‌کوبند.»

سپس رئیس مجلس تذکرات چند نفر از نمایندگان را به اطلاع مجلس رساند. وی از جمله به تذکر «آقا محمدی»، نماینده همدان، به وزارت بازرگانی مبنی بر اینکه «رویه موجود در وزارت بازرگانی در مورد بخش تعاونی رویه همان اسلاف سابق است و مطابق قانون اساسی نیست» اشاره کرد.

رئیس مجلس سپس از مسئولین امر خواست که «اگر اینطور است، اصلاح شود». آنگاه مجلس وارد دستور شد و بحث درباره لایحه لفو صدور «فرمان همایونی» ادامه یافت. پس از سخنان موافق و مخالف، درباره کلیات لایحه رای گیری بعمل آمد که با ۱۲۵ رای موافق و ۳۳ رای مخالف تصویب رسید. لازم به تذکر است که این رای گیری به پیشنهاد عسدهای از نمایندگان، از جمله مهندس بازرگان، یدالله سخایی، مهین‌فر، سلامتیان و غضنفرپور با ورقه صورت گرفت.

سپس پیشنهاد نمایندگان در مورد جزئیات لایحه مطرح شد. بدلیل پایان یافتن وقت مجلس، بقیه این بحث به جلسه امروز موکول شد. در پایان جلسه دیروز، لایحه دولتی کردن بازرگانی خارجی، از سوی وزیر بازرگانی به مجلس تقدیم و به کمیسیون مربوطه ارجاع شد.

در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی، که به ریاست حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی تشکیل شد، خانم گوهرالشریبه دستقیب، یکی از نمایندگان، هشدار داد که مردم باید هشیار باشند، تا تجربه اندونزی، شیلی و ایران در سال ۳۲، تکرار نشود.

خانم دستقیب، که به عنوان اولین ناطق پیش از دستور سخن می‌گفت، پس از اظهار مطلب بالا، به بمباران زندان «دوله‌تو» اشاره کرد و آن را یکی از «قساوت‌بشارترین اعمال ضد بشری» خواند. وی در ادامه سخنان خود از دستکاهای اجرائی خواست که برای جلوگیری از تکرار اینگونه حوادث چاره‌ای بیندیشند.

خانم دستقیب سپس، به مسئله سرپرستی فرزندان شهیدا توسط ولی قهری و سلب این حق از مادران این کودکان، اشاره و تأکید کرد که: «... می‌رود که مادران شهیدزادگان پس اسلام برآشوبند و دستمایه بزرگی برای ضد انقلاب شوند...»

وی آنگاه ضمن تشریح معایب این مسئله تأکید کرد که: «استفاده نامشروع از ولایت‌قهری تا بدانجا می‌رسد که این ولی قهری باز هم ولی و یا اولیاء دیگری به عنوان عمو و عمه... می‌ترانند.»

خانم دستقیب در بخش دیگری از سخنانش گفت: «امام امت هم دستور آکید به جناب آقای کریمی سرپرست بنیاد شهید در مورد رفع اختلاف خانواده‌های شهیدا داده‌اند، ولی باز هم نارسائیا و گرفتاریها بسیار زیاد است و امید است با کمک شما برادران نماینده، قانونی در این زمینه بدست بنیاد شهید داده شود که اگر در کان در نهایت آرامش خاطر به مادران دلسوز آنها سپرده شوند و سختی و رنج بی‌مادری هم بر بی‌پدری افزوده نشود.»

ناطق سپس به مسئولین دادگاههای مدنی خاص تذکر داد که عده قابل ملاحظه‌ای از مردان با سوء استفاده از قوانین اسلامی و «مخصوصاً با نیرنگ و خدعه و زور» زنان خود را «به هوس تجدیدفرآش» طلاق می‌دهند و رها می‌کنند. وی تأکید کرد:

«باید این چنین افراد مورد بازخواست قرار گیرند و حقوق حقه زنان را از آنها بگیرند.» خانم دستقیب همچنین تأکید کرد که در تفکر اسلامی، زن باید به عنوان یک انسان به صورتی بسیار جدی وارد اجتماع شود. دومین ناطق پیش از دستور محمد جواد جعتی

دلاوریهای خلق...

دکتر گفت: - بله. باید داستان را معالجه کنیم.

پاسدار درنگ نکرد. در لحظه‌ای چرخ زد. با دست راست، دست دیگرش را گرفت، پانکائی آنها از تن جدا کرد. خیلی خونسرد. مثل سنگ. مثل اینکه دست چپش، دست خودش نیست که در دست راست می‌فشارد. آن را به دکتر داد. گفت:

- خیالتان راحت شد؟ حالاجای زخم را پانسمان کنید، تا به جیبه برگردم.

این را گفت و برخاست. اما در همان حال درغلتید و افتاد. خون تمام برانکار را خیس کرده بود. بسرعت او را به اتاق عمل بردند.

دکتر گفت: - آخر شما که نمی‌توانید. با این وضع داستان. باید خوب بشوید و بروید.

همه به دست پاسدار نگاه کردند. دست چپش را خمپاره برده بود و تمام دست، در نزدیکی کتف، تنها با پوستی خون‌آلود به تن آویخته مانده بود.

پاسدار جوان نگاهی به دستش کرد. پرسید:

- اگر خیالتان از دست‌راحت شود، اجازه می‌دهد به جیبه برگردم؟

نفس راحتی کشیدیم. حالا میشد پاسدار جوان را نگاهداشت.

توضیح و تصحیح

در ارتباط با مقالات «هشت‌پای آمریکا از میمون ما دست‌ببردار نیست» مندرج در شماره ۵۱۰ «نامه مردم» و «صدانقلاب برای تبدیل سیستم به گردستان دوم وارد عمل شده است» مندرج در شماره ۵۱۶ «نامه مردم» اشتباهاتی رخ داده است که بدینوسیله، ضمن پوزش، به شرح زیر تصحیح می‌شود:

۱- در مقاله «هشت‌پای...» ص ۳، سطر ۳۸، بجای «ستار مول‌داد» باید «سردار مول‌داد» نوشته شود. ۲- در مقاله «صدانقلاب...» کلمه «سیستان» در قیتر مطلب درست نیست و صحیح آن «بلوچستان» است.

باتشکیل شورای تفاهم ملی، جبهه متحد خلق را پی بریزیم